

اجلاس غیرمتعهدها خواهان قطع جنگ ایران و عراق شد

خامنه ای: مصوبه کنفرانس رانسی پدیریم

خود را از آغاز و ادامه محاصره بین دو کشور که از اعضای مهم جنبش عدم تعهد به شمار می‌روند، ابراز داشتند.

۲- بدین لحاظ، سران کشورها و دولت‌ها بار دیگر از ایران و عراق درخواست می‌نمایند به منظور جلوگیری از ادامه تلفات جانی و خسارات مالی، دست از محاصره بردارند. آن‌ها بار دیگر متعهد شدند که کاپه تلاش‌های خود را برای خاتمه سریع این درگیری اسف‌بار، به کار گیرند.

پیش‌نویس مصوبه از سوی زیمبابوئه

تهیه شد

هاتکونه که در "اکتریت" شماره ۱۲۲ خاطرنشان ساختیم، جنبش کشورهای غیرمتعهد، از همان آغاز جنگ ایران و عراق، خواهان قطع این جنگ گردید و تلاش‌هایی را نیز به منظور پایان دادن به آن سازمان داد. از جمله، هیئت‌هایی از جانب جنبش به تهران و بغداد سفر کردند و پیشنهادهایی نیز در جهت برقراری آتش‌بس و صلح مطرح ساختند. در سال‌های اخیر، کوشش‌های جنبش عدم تعهد نیز مانند سایر تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ، قبل از همه به علت پافشاری رژیم خمینی بر ادامه آتش افروزی در منطقه، بی‌شمراند.

در آستانه اجلاس اخیر نیز همانند همه موارد بقیه در صفحه ۹

هشتمین اجلاس سران کشورها و دولت‌های جنبش غیرمتعهدها که در حراره پایتخت زیمبابوئه برگزار شد، در مصوبه‌ای خواهان قطع جنگ ایران و عراق گردید. این مصوبه که از سوی کمیته سیاسی اجلاس حراره به کنفرانس سران ارائه و مورد تأیید آن واقع شد، شامل سه بند و بدین شرح است:

"۱- سران کشورها و دولت‌ها، در رابطه با جنگ ایران و عراق، کاربرد اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل را مورد تأکید قرار دادند.

۲- در این چارچوب، آن‌ها مراتب تاسف عمیق



دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۵ برابر ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۴

مجازات "تمرد از نظام" برای زنان

اردوگاه ویژه زنان نتایج مورد نظر فقهار اهبان‌نیارده است

ناگزیر به یک کام عقب نشینی شده و از به رسیت شناختن این طرح، صرف نظر کردند. مقتدایی، سختگوی شورای عالی قضایی در این زمینه گفت: "مساله اردوی کار در شورا مطرح شد، ولی با توجه به تجارب خودمان در زمینه زندانها و موارد دیگر، به این نتیجه رسیدیم که تأیید این طرح به مصلحت نیست." (زن روز ۲۵ مرداد)

علاوه بر عامل فوق، مخالفت جهانی با ایجاد اردوگاه ویژه زنان در ایران، از جمله عواملی بود بقیه در صفحه ۲

سه ماه پیش بود که هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، طرح رژیم فقها را برای ایجاد اردوگاههای ویژه برای زندانی ساختن زنانی که به اتهام عدم رعایت حجاب تمام عبار اسلامی و شعایر مذهبی دستگیر می‌شوند، اعلام داشت. به دنبال اعلام رسمی این طرح، پاسداران و اوباشان رژیم در طول تابستان، برای دستگیری زنان تلاش گسترده‌ای به کار بستند. آنها برای تحمیل کامل ضوابط فوق ارتجاعی رژیم فقها در مورد پوشش به زنان، در خیابانهای شهرهای کشور، به دوره افتادند. این اوباشان علاوه بر کاربست تمام روشهای رذیلانه پیشین، از قبیل ضرب و شتم زنان، اسید پاشی، تیغ کشی، شلاق زدن و... زنان رهگذر را دستگیر ساخته و در کمیته‌ها، پس از تهدید به اعزام به اردوگاه ویژه، آنان را مجبور به پرداخت جرائم نقدی سنگین می‌کردند.

این هرزگی‌های مأمورین چماق کش و تفنگ به دست جمهوری اسلامی، نتوانست نتایج مورد نظر را برای سرکردگان رژیم بهار آورد. ابراز گسترده انزجار عمومی که به دفعات به شکل مقاومت زنان در خیابانها در برابر پاسداران و بدید آمدن درگیری‌های شدید تجلی یافت، نمی‌توانست توسط فقها نادیده گرفته شود. از این رو رهبران رژیم



اندکی بر روی عکس بالا تامل کنید. به گفته مسئول ستاد "بازسازی" جنگ در ۹ مهر ۱۳۶۴، ۵۱ شهر و ۲۰۹۱ روستای کشور بدین صورت درآمده است؛ سوخته و ویران! بر این ارقام فاجعه‌بار، در طی یک سال گذشته بازم افزوده گشته است و قرار است بازم افزوده گردد. صدها هزار کشته، صدها هزار مجروح و معلول، میلیون‌ها جنگ زده و آواره، صدها میلیارد دلار خسارت، محصول جنگ کثیف و خونینی است که اکنون پایه هفتمین سال حیات فاجعه‌بار خود می‌گذارد. همه روزه پرنده‌های آهنین مرگ سینه آسمان هر دو کشور را می‌شکافند و گره نابودی و ویرانی بر خاک می‌پاشند؛ انسان‌های بی‌شماری را از پای درمی‌آورند، صنایع و تاسیسات اقتصادی را در هم می‌کوبند و بر کشتزارها، بدر آتش می‌کارند...

* * *

در سال گذشته حمله به تاسیسات اقتصادی به موازات یورش به مناطق مسکونی و غیرنظامی، نسبت به سالیان قبل حدت بیشتری یافت. در این سال حمله به تاسیسات غیرنظامی به سیاست رسمی و جاری هر دو رژیم درگیر جنگ بدل شد. در این سال، هر دو رژیم سخت کوشیدند تا چرخ‌های اقتصادی، یکدیگر را از حرکت بازدارند و اقتصاد "حریف" را فلج کنند. چنین بقیه در صفحه ۲

رقمهایی فاجعه‌بار:

بیش از ۵۱ شهر

۳۰۹۱ روستا و

۱۱۸۰۰۰ واحد

مسکونی و

اقتصادی ویران

شیلی:

دست و بازدهای دیکتاتوری و اراده خلق

در صفحه ۶

در این شماره

• به پادارانندگان آتش‌ها

در صفحه ۲

• حمله به سینه پاریس را محکوم می‌کنیم

در صفحه آخر

• قلعه حسن خان: پیکره فلاکت

در صفحه ۱۰

• اثناها را باور و گن!

از: ناظم حکمت

در صفحه ۸

بقیه از صفحه اول

شد که ابعاد تخریب و ویرانی طی این سال از شمار بیرون رفت. چنان که اکنون دیگر کنترل و محاسبه ویا تخمین خسارات وارده به غایت دشوار شده است.

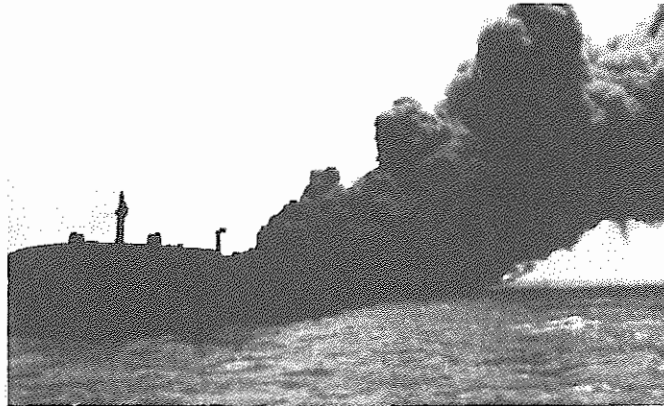
رژیم عراق در سال گذشته بارها اعلام کرد که برای بازداشتن اربابه‌های جنگی رژیم خمینی از حرکت، قصد دارد با گسترش حمله به تاسیسات اقتصادی، اقتصاد ایران را فلج سازد، و رژیم خمینی که به شکلی دیوانه‌وار در آتش توسعه‌طلبی و کشورگشایی می‌سوزد، نیز بارها اعلام کرد که از همه توان خود برای درهم شکستن صنایع عراق بهره خواهد گرفت. ویرانی و تخریب برون از حد، ارمغان شوم رقابت جنون‌آمیز و کثیف هر دو رژیم است. چنین بود که در سال گذشته بر پالایشگاه تهران، پالایشگاه تبریز، پایانه نفتی خارک، پایانه نفتی سیری، جزیره لاوان، تلمبه خانه نفتی اهواز، مارون و کتاوه، ده‌ها نفتکش بزرگ، سد دزفول، کارخانه واکن پارس در اراک، کارخانه نورد اهواز، تاسیسات مخبراتی اسدآباد و... عفریت جنگ پنجه افکند و خسارات جانی و مالی فراوانی به بار آورد.

اقتصاد جنگ زده

اقتصاد ایران، یک اقتصاد جنگ زده است. ۲۰ درصد کل بودجه کشور در سال مستقیماً صرف مقاصد جنگی می‌شود. در سال جاری ۱۲/۵ درصد بر بودجه جنگی افزوده شده است. بخش اعظم امکانات دولتی به جنگ اختصاص یافته است. در سال ۶۲ که هنوز سیچ تمام عیار اعلام نشده بود، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که پنج هفتم اعتبارات عمرانی کشور صرف امور جنگی می‌شود (اطلاعات ۶۲/۷/۲).

اخیراً نخست وزیر رژیم رسماً اعلام کرد که دولت در مصرف اعتبارات ارگان‌های غیرنظامی دولتی برای تامین بیشتر هزینه‌های جنگ، ۶۰ میلیارد تومان "صرفه‌جویی" کرده است. این دیگر "صرفه‌جویی" در صرفه‌جویی است. چرا که دولت پیش از این، به هنگام تهیه و تصویب لایحه بودجه سال ۶۵، اعتبارات عمرانی و سایر هزینه‌های جاری را تا حد مقدور چلانیده بود تا رقم بودجه جنگی بتواند هر چه درشت‌تر باشد.

ذخایر ارزی دولت بنابه اعترافات تلویحی مقامات رژیم ته کشیده است. امروزه رژیم برای تامین ارز، به خرید نسبه (بیزانس) روی آورده است که بی‌گمان نوعی اخذ وام



حمله به نفت‌کش‌ها، در دریاها نیز آتش جنگ شعله‌ور است

از کشورهای خارجی محسوب می‌شود. خرید نسبه هم اینک در بسیاری از صنایع کشور جاری است و خود مسئولین رژیم قادر به لاپوشانی این حقیقت نیستند. اما بیرونده‌های خرید نسبه جنگ‌افزار هنوز محرمانه مانده

پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۵، از ۱۶ میلیارد دلار تا حد ۶ میلیارد دلار کاهش یافت. رژیم خمینی در پی کاهش درآمد ارزی، با تاکید بر اولویت جنگ، سیاست اخذ بی‌رویه مالیات و عوارض از توده‌های ستمکش میهن و همچنین سیاست کاهش

رقم‌هایی فاجعه‌بار :

بیش از ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران

شدید واردات کالاهای اساسی را دنبال کرد. در سیاست "صرفه‌جویی" دولت تنها جنگ و جنگ افزایش مستثنی شد. رژیم از همه چیز برای جنگ زد. وسایل بهداشتی، مواد غذایی، مواد اولیه صنایع، قلیعات یدکی و... هیچکدام از یورش "امساک جویانه" رژیم در امان نماندند. تعقیب این سیاست از سوی رژیم خمینی، نه تنها گذران زندگی مردم را در سایه حاکمیت ولایت فقیه به سختی دشوار

است. ولی برآورد اولیه نشان می‌دهد که حجم معامله با قاچاقچیان بین‌المللی اسلحه فراتر از ۲۰ میلیارد دلار است. بدیهی است که صرف این مقدار ارز، خریدهای مستقیم سلاح از کشورهای امپریالیستی و یا اقماری آنها را دربر نمی‌گیرد. جنگ‌زدگی اقتصاد کشور با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی در اواخر سال ۶۴، دو چندان شد. بنابه اعترافات رژیم، درآمد ارزی



پالایشگاه آبادان

اکنون از این پالایشگاه تنها تلی از آهن قراضه بر جای مانده است

ساخت، بلکه رژیم با این سیاست به تخریب آن بخش از صنایع کشور پرداخت که از حملات هوایی عراق در امان مانده بودند. بی‌آمد این سیاست خطر بیکاری روزافزون مردم میهنان است. خود مسئولین رژیم جمهوری اسلامی اعتراف کرده‌اند که بیش از ۲ میلیون کارگر در معرض خطر بیکار شدن قرار دارند.

درشت‌ترین رانم‌ها

بنابر گزارش کمیسیون اقتصادی دولت تا ابتدای سال ۶۲ بر اثر جنگ به بخش کشاورزی ۲۲۵۷ میلیارد ریال، به بخش صنایع ۶۶۲ میلیارد ریال، به بخش نفت ۴۲۰۲/۸ میلیارد ریال، به بخش نیرو ۳۰۰/۸ میلیارد ریال و بخش ارتباطات و کمرک‌های کشور ۱۷۸/۵ میلیارد ریال خسارت وارد شده است. در سه سال گذشته این ارقام بسی درشت‌تر شده‌اند. اکنون درشت‌ترین رقم‌ها در آمار اقتصادی ایران، به رقم‌های مربوط به خسارات جنگی اختصاص دارند.

کل خسارات اقتصادی ناشی از جنگ در ایران را، دست کم ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. سهم هر شهروند ایرانی از این خسارات بالغ بر ۶۰۰۰ دلار است. هزینه مستقیم جنگ بدون احتساب خسارت همدردی سال گذشته بر ۶۰۰۰ میلیارد ریال، بالغ بوده است. از کف هر ایرانی بنابر متوسط ۱۵۰۰۰۰ ریال ریوده‌اند تا این هزینه تامین گردد.

جنگ اگر هم امروز نیز متوقف گردد، جبران خسارات ناشی از آن سال‌های سال بر پنجه زحمتکشان کشور ما پیخته خواهد انداخت. اگر واردات کشور بطور کامل قطع شود و تمام عواید ناشی از صدور و فروش نفت به امر ترمیم ضربات وارده بر اقتصاد کشور، اختصاص یابد، ۲۵ سال طول می‌کشد که مادر عرصه‌های مادی خسارت دیده به همان جایی برسیم که در سال ۵۹ بودیم.

اما خمینی همچنان می‌گوید که باید جنگید، حتی اگر ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد. نفرت مردم از جنگ، این صدای شوم را در گلوی این فقیه جانی خفه خواهد کرد. این ره‌زخوائی تنها بیانگر آن است که خمینی کشور را بیش از آنچه که ویران ساخته است، ویران می‌خواهد. بیش از ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی، تجاری و صنعتی ویران و سوخته و صدها هزار کشته و زخمی و معلول نتوانسته است جنون جنگ طلبی خمینی را ارضاکند.

در سالگرد به خون نپیدن رفقا محمد رضا غبرائی و جهانگیر بهتاجی

به یاد ارندگان آتش‌ها

در آبان ماه سال گذشته بود که خبر اعدام رفقا محمد رضا غبرائی و جهانگیر بهتاجی اعلام شد، خبر اعدام دوتن دیگر از خیل دل به دریا افکنان، به یاد ارندگان آتش‌ها، آنانی که زندگانیشان "دوشادوش مرگ" و "پیشاپیش مرگ" است.

رژیم آنان را در اواخر تابستان سال گذشته به جوخه آتش سپرده بود. اعدام آن‌ها بیاترکیاس جلدان بود. نتوانسته بودند آنان را بشکنند. سینه‌شان را با شلاق، شرحه شرحه کرده بودند، اما قادر نگشتند از درون سینه‌شان کنجینه اسرار خلق را بیرون بکشند.

رفیق غبرائی (منصور)، عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان بود. او را در اسفندماه ۱۳۶۰ دستگیر کرده بودند. ۴۲ ماه شکنجه و آزار نتوانست در اراده استوار این فدایی رزمنده و پیگیر خللی وارد سازد. با اعدام رفیق غبرائی جنبش کمونیستی ایران یک کادر آیدیده و قدیمی و سازمان مایکی از اعضای ارجمند رهبری خود را از دست داد. در خون تپیدن او ضایعه‌ای ناسف بار بود اما پیش از هر چیز بیانگر

پیروزی رزمندگی و اراده فداییان در برابر تمام ددمنشی‌های دژخیمان بود. رفیق جهانگیر بهتاجی در سازمان ما مسئولیت خطیر بخش انتشارات را برعهده داشت. پیگیری، پشتکار و نظم او، او را به چنین جایگاه پرامیتمی رسانده بود. او در زندان عمان "جهان" پیگیر باقی ماند. پیگیر در عرصه وفاداری به سازمان، وفاداری به خلق، وفاداری به تعهد خطیر حفظ اسرار خلق. او نیز هم چون رفیق غبرائی ماه‌ها زیر شکنجه قرار داشت. اما لب نشکود مگر برای ابراز نفرت نسبت به رژیم جنایت‌پیشه خمینی. وصیت نامه او شعری که وی در حاشیه آن نوشته است (اکثریت شماره ۹۰) بیانگر روحیه رزمنده این فدایی نمونه تا آخرین لحظات حیات است. او سرفراز و استوار در برابر جوخه مرگ قرار گرفت. پیش از قرار گرفتن در برابر جوخه اعدام با امیدواری تاریخی خاص کمونیست‌ها به زندگی، به زندگی جاری و به آینده درود فرستاد. او در کنار وصیت نامه خود نوشت:

درود بر نفس زندگی که پاینده است!

شعر معاصر ایران

خطابه تدفین

احمد شاملو

غافلان
همسازند،
تنها توفان
کودکانِ ناهمگون می‌زاید.

همساز
سایه‌سانانند،
محتاط
در مرزهای آفتاب.
در هیأتِ زندگان
مردگانند.

وینان
دل به دریا افکنانند،
به پای دارنده آتش‌ها
زندگانی
دوشادوشِ مرگ
پیشاپیشِ مرگ
هماره زنده از آن سپس که بامرگ
و همواره بدان نام
که زیسته بودند،

که تباهی
از در گاه بلندِ خاطر ه‌شان
شرمسار و سرافکنده می‌گذرد.

کاشفانِ چشمه
کاشفانِ فروتن شوکران
جویندگانِ شادی
در مجرّی آتشفشان‌ها

شعبده بازان لبخند
در شبکلاه درد
با جاپائی ژرف‌تر از شادی
در گذرگاه پرندگان.

در برابر تندر می‌ایستند
خانه را روشن می‌کنند.
ومی‌میرند.

اردیبهشت ۵۴

مجازات "تمرد از نظام" برای زنان

بقیه از صفحه اول

فقه‌ها را به در سرانداخت در پی اعلام این طرح، از سوی نیروهای مترقی و سازمانهای زنان در کشورهای مختلف جهان، بیانییه‌های اعتراضی متعددی صادر شد و نامه‌های بسیاری نیز برای مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، ارسال گردید.

در افشای این طرح بربرمنشانه رژیم و جلب همبستگی جهانی با زنان ایران، فعالیت‌های گسترده فدائیان خلق در خارج کشور، جای برجسته‌ای دارد. آشفته‌گی خاطر سرکردگان رژیم از مجموعه این تلاشها را فخرالدین حجازی، نماینده مجلس، با این جمله بیان داشت: "این اردوی کار باز ایجاد می‌آورد در خارج می‌کند" (زن روز-۱۸ مرداد)

جمهوری اسلامی اگر چه نتوانسته است طرح ایجاد اردوگاه ویژه زنان را رسیت ببخشد، اما برای اعمال محدودیت هر چه بیشتر برای

برای تحمیل کامل مقررات اسلامی مورد نظر فقهای زنان در زمینه نوع پوشش و سرکوب مقاومت زنان،



اکنون رژیم بر آن شده است که مجازات سنگین دیگری را علیه زنان میهن ما، به کار گیرد. مطابق این

طرح، زنانی که بنا بر تشخیص پاسداران و قضات شرع، بدحجاب باشند، متهم از نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند و متناسب با این جرم، مجازات می‌گردند. این طرح تازه توسط میرلوحی، یکی از مسئولین کمیته از طریق نشریه زن روز (اول شهریور) اعلام شده است. وی گفته است: "ما هم طرحی داریم و پیشنهاد کرده‌ایم. براساس این پیشنهاد اگر از این پس کمیته اشخاص بدحجاب باید لباس را بگیرد، برای آنها پرونده‌ای می‌سازد، احوال خانواده و نسب شخصی را پیگیری می‌کند و سپس مسئله در هیات عالی رسیدگی به تخلفات، بعنوان تمرد از نظام مطرح می‌شود."

پنایرین، جرم زنان "بدحجاب" مردیف با جرایم مربوط به براندازی می‌شود. رژیم با این ترادف چه نیکو چاره کار را هم نشان می‌دهد؛ نظام را براندازید، اگر می‌خواهید به این تحمیلات پایان داده شود!

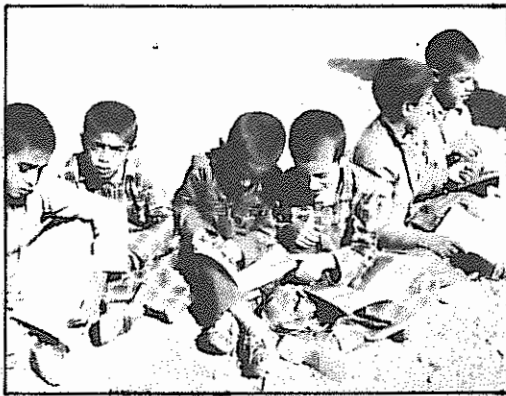
افزایش بهای نفت

برگزار خواهد شد. در این اجلاس نتایج حاصله از کاهش صادرات نفت اوپک مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. باید خاطر نشان ساخت که کشورهای اتحاد شوروی، چین، مالزی، مکزیک، مصر، عمان، آنگولا و نروژ نیز از میزان صادرات نفت خود کاسته اند.

کاهش تولید و صادرات نفت در بازارهای جهان باعث افزایش نسبی بهای این کالا گردیده است. بر اساس آخرین اخبار رسیده نفت خام دومی و نفت خام سبک تگزاس برای تحویل در ماه اکتبر به ترتیب به ۱۳/۶۵ دلار و ۱۵/۹۰ دلار برای هر بشکه افزایش یافته است.

کشورهای عضو سازمان صادرکننده نفت اوپک طبق تصمیم آخرین اجلاس این سازمان، از روز دهم شهریور ماه از میزان تولید و صادرات نفت خود کاستند. بر اساس مصوبه آخرین اجلاس اوپک، کشورهای عضو موظف شده اند میزان صادرات نفت خود را منتهای میزان سهمیه تعیین نشده عراق، به ۱۴/۷ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. آفازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد که به منظور جلوگیری از تخطی هر یک از اعضا از مصوبه و سهمیه های تعیین شده از سوی اجلاس، "میزان تولید، صادرات و حتی ثبت نام کشتی ها در بنادر کشورهای عضو دقیقاً کنترل خواهد شد." لقمان رئیس اوپک نیز اعلام کرد که اجلاس بعدی این سازمان در ماه اکتبر

نوشت افزار در بازار سیاه



کتر از یک هفته به آغاز سال تحصیلی جدید مانده است. کمبود دفتر و نوشت افزار شدت احساس می شود. بر اساس طرح جدید وزارت آموزش و پرورش، به هر دانش آموز یک خودکار، یک مداد، یک مداد تراش و تعداد محدودی دفتر تحویل داده خواهد شد. سهمیه بندی دفتر و نوشت افزار باعث کرانی سرسام آور این اقلام در بازار سیاه شده است. رژیم بواسطه مشکلات ارزی، از واردات لوازم التحریر نیز بشدت کاسته است. کمبود لوازم التحریر بدنبال کمبود کتاب های آموزشی، بدنبال کمبود کادر آموزشی و مدارس، به دنبال تخلیه های مکرر اماکن آموزشی و مدارس، به حق نگرانی و السدین دانش آموزان رادامن زده است.

روند مناسبات اقتصادی با ایتالیا

مشترک وزیران دو کشور در آینده نزدیک، بازم زمین این همکاری ها گسترده تر شود. "باید خاطر نشان ساخت که همکاری دو کشور ایتالیا و جمهوری اسلامی ایران به پروژه فولاد مبارکه محدود نمی شود و ایتالیا در پروژه های احداث سد، پالایشگاه گاز کتکان و احداث نیروگاه های برق اصفهان و بندرعباس نیز فعالیت دارد. حجم مبادلات دو کشور جمهوری اسلامی و ایتالیا در سال ۱۹۸۴ بالغ بر دو میلیارد و شصت میلیون دلار بود که به علت کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۸۵، ۱۹/۹۰ درصد کاهش یافت.

محدوده آزادی مطبوعات

بخشنامه های ویژه سانسور در روزنامه ها اشاره نمود. سرمقاله نویسی اطلاعات در این مقالات از جمله این موضوع را فاش ساخت که به آنان طی بخشنامه ای ابلاغ شده که حق درج هیچ مقاله ای را که به ساخت شورای نگهبان برخوردنده باشد، ندارند. اطلاعات نوشت که در این روزنامه حتی مقاله ای که در آن به شکل محترمانه ای از شورای نگهبان سوالی شده باشد، حق درج ندارد.

اطلاعات ۹ شهریور - "جوهره راتی" رئیس استیویتی تجارت خارجی ایتالیا در ملاقات با کلاهدوز قائم مقام وزارت نیرو گفت: "ایتالیا با انجام فعالیت های مهمی از جمله اسکله سازی در بندرعباس و مجتمع فولاد مبارکه پیوندی ناگسستنی با ایران دارد." نامبرده افزود که حجم مبادلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا در سال ۱۹۸۵ بالغ بر دو میلیارد و یکصد میلیون دلار بوده است. قائم مقام وزارت نیرو از وجود "جو نغام و حسن نیت" در روابط دو کشور ایرا از خرسندی نمود و اظهار امیدواری کرد، "با تشکیل اولین اجلاس کمیسیون

پس از سخنرانی ۹ شهریور ماه خمینی که در آن ولی فقیه اظهار کرد که "قلم به دست ما" فقط در حمایت از دولت می توانند آزاد باشند و هیچ کس حق انتقاد ندارد، اعمال سانسور در مطبوعات زیر سانسور جمهوری اسلامی تشدید شد. روزنامه های دولتی در این مورد سرمقاله و تفسیر نوشتند و از این امر استقبال کردند. روزنامه اطلاعات در سلسله مقالاتی که از روز ۱۰ شهریور به بعد در تفسیر سخنرانی تازه خمینی درج کرد ضمن استقبال از تشدید سانسور مطبوعات به

حمله موشکی به بغداد

سپاه پاسداران شنبه شب جمعه یک بار دیگر با موشک زمین به زمین، بغداد را مورد حمله قرار داد. رژیم خمینی مدعی شد که طی این حمله مرکز بنیاس مخفی بغداد را منهدم کرده است. این در حالی است که رژیم عراق اعلام کرد موشک به متاخ مسکوئی شهر بغداد اصابت کرده و ۲۴ تن از افراد غیر نظامی کشته و تعداد بسیاری از مردم زخمی شده اند. گفته می شود که در میان مجروحین عده بسیاری زن و کودک برده اند. رژیم خمینی حمله موشکی به بغداد را پاسخ به حملات اخیر نیروی هوایی عراق به مناطق مسکوئی و مراکز صنعتی اعلام کرد. در هفته گذشته عراق دوبار پالایشگاه تبریز و یک نیروگاه سوله برق زادر این شهر مورد حمله قرار داد. رادیوی دولتی جمهوری اسلامی ضمن تأیید حمله عراق به شهر تبریز اعلام کرد که طی این حمله عراق به یک مجتمع صنعتی در تبریز، حداقل ۲۰ تن مجروح شده اند. رادیوی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۱ شهریور اعلام کرد که نیروی هوایی عراق دیرار صوبتی شهرهای کرمانشاه، همدان و خرم آباد را شسته و به یک مجتمع صنعتی در لرستان حمله کرده است. ستاد مشترک جنت اعلام کرد که یک فروند هواپیمای عراقی در حوالی لرستان سقوط کرده و خلبان مجروح آن به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی درآمده است. این خبر از سوی رژیم عراق نیز تأیید شد و عراق مسئولیت جان خلبان اسیر را بر عهده نیروهای جمهوری اسلامی اعلام کرد.

در هفته گذشته حمله به مناطق مسکوئی کماکان از سوی هر دو رژیم ادامه یافت. رژیم عراق طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در اثر انتشار رویدادها سنگین جمهوری اسلامی روی شهر بصره، طرف یک ماه گذشته، ۱۲۲ تن از اهالی غیر نظامی کشته و ۴۲۷ تن مجروح شده اند. مردم رژیم طی اطلاعیه های مشابهی طرف مقابل را تهدید به انتقام گیری کرده اند.

در ضمن در هفته گذشته چندین حوزة نفتی و از جمله حوزة نفتی رامهرمز و یک نفتکش از سوی نیروی هوایی عراق مورد حمله قرار گرفته است. روزنامه انگلیسی تایمز اعلام کرده است که نفتکش هایی که در خلیج فارس رفت و آمد می کنند، به منظور حفاظت از حملات هوایی و موشکی، به یک سیستم ضد موشکی مجهز خواهند شد. تایمز همچنین افزود که این سیستم هر اکنون بر روی دو نفتکش در دریای منسوب شده است.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز طی نامه ای به خاوربر سرود و کوشنار، بار دیگر عراق را منتهی به استفاده از سلاح های شیمیایی نمود. گفته می شود که در اثر استفاده عراق از سلاح های شیمیایی بیسی از ۱۲۵ تن از سربازان ایرانی مجروح شده اند و یک برهان در جزیره مخمور به قتل رسیده است.

تحریم سپهنا توسط جوانان کازرون برای مقابله با پاسداری

بگیر و بپند جوانان مشمول طی دو ماه اخیر در کازرون نیز مانند سایر نقاط کشور شدت بی سابقه‌ای یافته است. اوباشان حکومتی در مراکز تجمع جوانان این شهر به کمین نشسته و به شکار آنان می‌پردازند. پاسداران و کمیته‌چی‌ها، سینمای شهر را که تنها محل گذراندن اوقات و تفریح جوانان است، تحت کنترل گرفته‌اند. آنان تاکنون دوباره به این سینما به هنگام نمایش فیلم بیورش برده و جوانانی را که در آنجا بودند، دستگیر کرده و روانه پادگان‌ها ساختند. جوانان کازرون تصمیم گرفتند رفتن به سینما را تحریم کنند.

اقدام یکپارچه جوانان و استقبال اهالی شهر از حرکت آنان موجب گردید درهای سینما به مدت دو هفته بسته بماند.

کارخانه پرچبجستون در آستانه تعطیل

افلاس مالی دولت، کارخانه پرچبجستون شیراز را نیز در شرف تعطیلی کامل قرار داده است. این کارخانه هم‌اکنون به صورت نیمه تعطیل درآمده است. خط تولید لاستیک و نوژی‌بان به دلیل نبود ارز و مواد اولیه به کلی متوقف گردیده است. تولید لاستیک بیگان به حداقل ظرفیت کاهش یافته و کیفیت مه‌مولات تولیدی بسیار افت کرده است. تا کنون ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه که اکثری قراردادی بودند، اخراج شده‌اند و دفتر شرکت در تهران به حالت نیمه تعطیل درآمده است. بدهی‌های معوقه به کارگران کارخانه از بابت طرح طبقه‌بندی مشاغل و غیره تاکنون پرداخته نشده است. هریک از دوهزار کارگر کارخانه در حدود ۲۰ الی ۴۰ هزار تومان طلب کار هستند. مدیریت کارخانه در صدد است به بهانه تامین بودجه کافی برای پرداخت بدهی خود به کارگران، قیمت تولیدات کارخانه را ۵۰ درصد افزایش دهد.

خبرهایی از بوکان

روز جمعه، سوم مرداد، پس از خاتمه بازی تیم‌های فوتبال شهر بوکان و میانه‌آب، نند در بوکان برگزار شد. مأموران پلیس که در ورزشگاه حضور داشتند، بسریجه‌ای از اهالی بوکان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. جوانانی که شاهد این صحنه بودند به حمایت از بسریجه برخاستند که در نتیجه آن زد و خوردی در گرفت. یکی از مأمورینی که در این روز نقش فعالی علیه جوانان بوکان ایفا کرده بود، عنصر مفسوری بنام تیمور بود. چند روز بعد از این واقعه جوانان بوکان تیمور را در نزدیکی مشایرات شهر به دام انداختند و چنان تشبیه کردند که اکنون اهالی بوکان به لغفه وی را "تیمور لنگ" می‌خوانند.
در پی کشتن روز سوم مردادماه، مسئولین شهرستانی برای زهر چشم گرفتن از اهالی در شهر به راه افتاده به ایذا و ذلت مردم می‌پردازند. مسئولان خداداد یکی از مسئولین شهرستانی از جمله کزده‌اندگان معرکه بود، که همراه با اعضای پاندهش برزخه‌گری را از حد گذراند. عده‌ای از جوانان بوکان در ابراز انزجار از اینگونه اعمال مأمورین رژیم شهپکار خمینی، یکی از اعضای پانده‌سوان خداداد را نیز به سرنوست "تیمور لنگ" دچار می‌سازند.

بمگرد و دستگیری جوانان مشمول فراری برای اعزام اجباری به جبهه، با شدت بی سابقه‌ای دنبال می‌شود. مزدوران حکومتی در کدجه و خیابان شهر به کمین جوانان نشسته و آنان را پس از دستگیری به زور روانه جبهه می‌کنند. هرگاه مشمولی را نتوانند دستگیر کنند محله را تری کرده، خانه به خانه به بازویی می‌پردازند. اوباشان رژیم، اخیراً برای وادار کردن جوانان به معرفی خود، به شیوه حیوانی تازه‌ای متوسل شده‌اند. سرکوبگران رژیم بدروبر ادران مشمولین فراری را زنده‌آبی کرده و از آنان می‌خواهند فرزندان و برادران خود را معرفی نمایند.

اوایل مردادماه، مزدوران جنایت‌پیشه ششمینی یکی از فرزندان مبارز شای کرد را که به منظور دیده‌ار دستانتش رامی روستای داشته واقع در لاکه‌متری شمال بوکان و بر سر راه جاده بوکان میانه‌آب بود، دستگیر کردند. پس از شکنجه وحشیانه وی را با اسلحه به قتل رساندند. اوباشان ششمینی، چند مقتول را که سند سوخت و درنده خوبی‌شان بود بانی‌شیمی و ذالت سوار و انت کرده در خیابانهای بوکان کرده‌اند.

در مردادماه پاسداران حکومتی چند سرپاز جوانی را که به نظر فحشیمی گشته شده بود به خانوادهاش تحویل می‌دهند. گلوله از زیر جانت جوان وارد شده و از سرش خارج گشته بود. رژیم ادعا می‌کند که این جوان خودکشی کرده است ولی مردم می‌گویند او به همراه چند تن دیگر توسط خود حکومت به قتل رسیده است. در مراسم به خاکسپاری جنازه این جوان که عوامل حکومتی نیز حاضر بودند، مصادای بلندغیر رژیم شعار داده شد.



زن لر

چه رفیقانه بازو در بازوی
داشت انداخته است. چه ساده
است وجه مهربان و چه امیدوار.
خسته از رنج کار است. اما با
چهره‌ای پر امید به افق می‌نگرد.
این زمین ثمر خواهد داد. رنج و
رزم او شور زار را نیز بار آور
خواهد ساخت.

از میان نامه‌ها

در گرداب بیکاری

"گفتند همه چیز در گرو داشتن برگ پایان خدمت است. به هر مصیبتی بود دو سال راسرآوردم و کارت پایان خدمت را گرفتم. نزدیک به یک سال است که مرخص شده‌ام. بی پول و بی‌کار و چشم به دست خانواده. تنها من نیستم که چنین وضعیتی دارم همه جوانان شهرمان به این روز افتاده‌اند. به هر دری ممکن بود زده‌ام، اما راه به جایی نبرده‌ام.
چند روز در لاهرانوار استان به شیشه‌شویی و پرکردن شیشه‌های شربت و... مشغول بودم. بعد از هشت روز عذرم را خواستند و به جای من یکی دیگر را آوردند و گفتند رسم کار اینجا چنین است. با مساجت ۴ روزم در انبار همان بهداری کار گرفتم. کارم در انبار مصادف بود با یکی از حملات در جبهه. روزانه ۵ الی ۶ کامیون دارو، لوازم جراحی و پانسمان و... از تهران می‌آوردند و من به همراه یکی دو نفر دیگر می‌بایست آن‌ها را اخالی می‌کردم. کار شاقی بود و مزدش ناچیز، اما به همین نیز راضی بودم. چهار روز سرآمد و من به همان نقطه اول که شروع کرده بودم برگشتم. در پی کار. پس از دوندگی و تقلای زیاد کاری در بوکان پیدا کردم. آنجا قرار بود برای مدت هفت ماه در اکیب‌های اداره مالاریا که برای

واکسیناسیون و سرشماری افراد عازم روستاهای منطقه می‌شدند به کار بپردازم کم کم داشت کارم می‌گرفت که وابستگان انجمن اسلامی بهداری زیر پایم را خالی کردند.

سرگردان در پی کار بودم که خبر شدم در بندرعباس برای کار روی کشتی به ملوان احتیاج دارند. می‌گفتند کارنان و آبداری است. اسباب و اثاثیه‌ام را جمع کردم و با هزار مکافات خودم رابه بندرعباس رساندم. چه شوق و خیالاتی که در سر داشتم! تصور من از کاری که یافته بودم چیزی بود و واقعیت آن چیزی دیگر. یک هفته روی کشتی که ماهین جزایر خلیج فارس در رفت و آمد بود، سرگرم کار بودم. از سپیده صبح تا پاسی از شب. آن‌هم در گرمای شرعی و سوزان بندر روی عرصه کشتی قراضه. طی روز به "اسکراب کردن و زنگ‌زدایی و... می‌پرداختم و شب هم دو الی سه ساعت تهبهانی داشتیم. کارش چنان طاقت فرسا بود که رمقی برای آدم باقی نمی‌گذاشت. با همه اینها از ترس بیکاری تحمل می‌کردم. مسیر کشتی برخی مواقع از پوشهر به خارک بود و بالعکس. محلی که مدام زیر آتش هواپیماهای عراقی است. من که تازه از جبهه برگشته و دو سال را در زیر آتش خمپاره و تسوب گسدرانده بودم، این بار دیگر نمی‌خواستم بصورت اجیر در خدمت جنگ باشم. عطای چنین کاری را به لغایش بخشیدم و دست از پا درازتر با خرج بیشتر از دخل برگشتم، باز هم بیکاری و..."

شیلی: دست و پا زدنیهای دیکتاتوری و اراده خلق

چهره زشت يك رژيم

مقاله ای از: ولودیا تاپیل پویم، عضو هیات سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

مترجم: در: "عصر جدید" شماره ۲۲ سال ۱۹۸۶

هفته گذشته، بار دیگر شیلی در مرکز توجه جهانیان قرار گرفت. رژیم ژنرال آگوستینو پینوشه به بیانه ترور نافرجام وی، به مدت سه ماه حکومت نظامی اعلام کرد. سدهاتین، که در میان آنها نام شخصیت های دمکرات و آزادیخواه دیده می شود، بازداشت شدند. ناظران، هدف رژیم از این اقدام راجلویگیری از انجام اقدامات اعتراضی اپوزیسیون به مناسبت سیزدهمین سالگرد کودتای فاشیستی یازده سپتامبر ۱۹۷۲ دانسته اند.

هفته نامه شوروی "عصر جدید" در شماره ۲۲ امسال خود مقاله ای از ولودیا تاپیل پویم، عضو هیات سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی، حزب کمونیست شیلی درج کرده است که به اوضاع داخلی این کشور پیش از رویدادهای هفته گذشته می پردازد. ترجمه این مقاله را از نشر خوانندگان می گذرانیم.

پینوشه دیکتاتور شیلی و دست پرورده "سیا" انزجارآورترین مولود تروریسم دولتی ایالات متحده است. سیزده سال است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سیاست او را محکوم می کند. برای خود مردم شیلی، پینوشه مدت ها است که "عصر نامطلوب" به شمار می رود.

دیکتاتور، که در پایتخت با نفرت و روبرو است، تا به حال گمان می کرد سفر به سایر استانها بتواند برایش نقش "آمیول تقویت کننده در مبارزه" را ایفا کند. اما از فوریه ۱۹۸۴ تا امروز، او از "آریکا" گرفته تا "پونتا آرناس" تظاهرات اعتراضی نیرومندی را در پیش روی می بیند که شرکت کنندگان در آن، فریاد می کنند: "مرگ پرستید!" و "پینوشه حق ندارد نزد ما باشد!"

مجمع شهروندان

اکنون پینوشه می گوید در پنهانگاه خود بماند. سفر به شهرستانها برای او پیوسته خطرناکتر و ناراحت کننده تر می شود. شیلی، دیگر تاب تحمل او را ندارد. جهان، طردش کرده است.

به ویژه از ماههای آوریل و مه امسال بدین سو، افشار گسترده مردم به شرکت در مبارزه علیه دیکتاتوری جلب شده اند. اپوزیسیون، ژوش را ماه "نافرمانی عمومی" اعلام کرد. اقدامات اعتراضی مردم، افزایش یافت. عملاروزی نمی گذرد که در آن، خیابانهای سانتیاگو وسایر شهرها شاهد درگیریهای سخت نگرددند. توده های مردم، که در میان آنها نمایندگان همه نیروهای اجتماعی و سیاسی وجود دارند، از سوی ارتش و پلیس مورد حمله قرار می گیرند. برای نخستین بار پس از سیزده سال دیکتاتوری، همه گروههای اپوزیسیون برنامه عمل مشترک امضا کرده و در "مجمع ملی شهروندان" متحد شده اند.

برای نیمه دوم سال ۱۹۸۶، گسترش و تعمیق مبارزه علیه دیکتاتوری پیش بینی شده است. قرار است این مبارزه، اشکال متنوع تری به خود بگیرد تا بتواند کارزار "نافرمانی عمومی" را فعال کرده و به تضعیف رژیم باری برساند. هر چه مقاومت توده ای، که باید به قیام ملی فراورید، گسترش یابد، برای پینوشه کنترل اوضاع مشکل تر می شود. نظرخواهی ها، موید منفرود بودن مطلق رژیم اوست.

مجمع شهروندان، برای پاسخ، به پینوشه ۲۰ روز مهلت داد. پاسخ دیکتاتوری، تشدید سرکوب بود. مجمع شهروندان و کمیته اجرایی آن، که چنین واکنشی را پیش بینی کرده بودند، بر برنامه خود برای اقدامات اعتراضی علنی، تاکید ورزیدند.

پینوشه برای نگرانی خودچندین دلیل دارد. همبستگی بین المللی با دمکراتهای شیلی و نیز محکومیت رژیم پینوشه از سوی سازمانهای بین المللی، دیکتاتور را بدختم آورده است. در نیمه دوم ماه مه، در سانتیاگو یک گردهمایی با شرکت ۶۷ نماینده پارلمان از ۱۲ کشور آمریکای لاتین و اروپا و ۱۲۵ عضو سابق پارلمان شیلی برگزار شد. همه شرکت کنندگان، بطوریکه بارجه نالانگری های دیکتاتور را محکوم کرده خواستار بازگشت کشور به دمکراسی شدند.

بحران رژیم، بطور قانونمند شامل عرصه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و طبعاً اقتصادی می گردد. طبق آمار "موسسه علوم و پژوهشهای اجتماعی آمریکای لاتین"، ۵۵ درصد مردم شیلی در فقر و ۲۲ درصد آنها در مرز فقر به سر می برند. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲، این ارقام به میزان ۴ و ۶ برابر افزایش یافته اند.

یک آمارگیری این موسسه حاکی از آن است که ۱۰ درصد جمعیت شیلی، ۴۶ درصد درآمد ملی را کسب می کند. در عوض ۲۰ درصد خانواده ها که فقیرترین ها را تشکیل می دهند، تنها ۲/۲ درصد درآمد ملی عایدشان می شود.

آلوارو کارسیا، مفسر نشریه "آپسی اکونومیکا"، در ماه مارس امسال نوشت: "یک شکل اعمال قهر در شیلی امروز عبارت از آن است که کرسنگان را از هرگونه درآمد محروم سازند تا اقلیتی بتواند جیبهای خود را پر از دلار کند. شرط اجتناب ناپذیر هر برنامه واقعا دمکراتیک، تجدید توزیع درآمد مردم است."

التهت پینوشه بطور مداوم مشغول "تجدید توزیع درآمد" به سود خود است و در این رابطه، دست کمی از سایر دیکتاتورهای ندارد. مشهور است که دیکتاتور، در حسابهای سری بانکهای سوئیس و آمریکای میلیاردها دلار روی هم انباشته است.

"نوبت سومی است"

پینوشه ژنرال های خود را هم فراموش نمی کند. در حالی که ۶۰ درصد مردم شیلی، درآمد ماهانه ای در حدود ۱۲ هزار پزو - تقریباً ۶۰ دلار - دارند، درآمد یک ژنرال پینوشه، ۵۶ برابر این رقم است. پس از سقوط ژان کلود دووالیه و فریدیناند مارکوس، برخی پیش بینی ها حاکی از این بود که نوبت سومی یعنی پینوشه فرا رسیده است. یک سیاستمدار شیلیایی از اصطلاحات فوتبالی استفاده کرد و گفت ریکان در نامه ای به دیکتاتور، به وی کارت زرد نشان داده است. کمی بعد، برای نخستین بار پس از سالها دیکتاتوری در شیلی، نماینده آمریکا در ژنو علیه رژیم نظامی که سیا و پنتاگون در برقراری آن در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲، شرکت فعال داشتند، رای داد.

از آن چاکه واشنگتن بارها در مجامع گونساگون بین المللی با حمایت خود از دیکتاتوری شیلی دچار انزوا شده است، صرف رای دادن آمریکایی علیه پینوشه جلب نظر کرد. سیاستمداران اپوزیسیون راست میانه، از این بابت خوشحال شدند. آیا به راستی ◀

"شورای ملی رهبران زحمتکشان"، سازمانهای گوناگون سندیکایی را در برمی گیرد. در پیکار توده ای، مردم از پیرو جوان شرکت می جویند - از دانش آموزان دبیرستانی گرفته به بالا.

افشار میانی به مبارزه می پیوندند

تنها در میان کارگران نیست که خشم از رژیم بالا می گیرد. امروز، افشار میانی نیز علیه دیکتاتوری وارد میدان شده اند. اکثریت بزرگ افشار میانی شیلی به اپوزیسیون روی می آورد.

در پنیانگذاری "مجمع شهروندان"، نمایندگان ۲۵۰ سازمان اجتماعی شرکت کردند. این سازمانها، نماینده اکثریت مردمند که تحت تاثیر اندیشه مبارزه مشترک تحت شعار "پیروزی از آن ماست" قرار دارند. از جمله سازمانهای مؤسس، عبارتند از: شورای ملی رهبری زحمتکشان، اتحادیه دانش آموزان فنی و حرفه ای، کنفدراسیون دانشجویان، شورای فقرا، زنان برای زندگی (اتحادیه همه گروههای زنان کشور)، کمیسیون ملی دهقانان، کنفدراسیون تعاونی ها، شورای دانشمندان و هنرمندان، شورای ملی بازنشستگان، فدراسیون کامیونداران، فدراسیون کارکنان فروشگاهها و غیره.

کمیته اجرایی مجمع، از نمایندگان سازمانهای گوناگون تشکیل می شود. با آنکه مجمع شهروندان، نه یک ائتلاف احزاب سیاسی، بلکه اتحاد سازمانهای اجتماعی است، پرنفوذترین نیروهای کشور، یعنی دمکرات مسیحی ها و کمونیست ها در آن اکثریت دارند.

مجمع، سندی با عنوان "شیلی می طلبد!" تصویب کرد. محور آن، طرح خواست انتقال قدرت خلق برای تحقق دمکراسی است. در بخشی تحت عنوان "ما خواهان دمکراسی برای احیای استقلال ملی هستیم!" از ضرورت الغای دکتترین به اصطلاح امنیت ملی، بازگرداندن شیلی به جامعه کشورهای آمریکای لاتین و جهان سوم و تجدید نظر در شرایط بازپرداخت قروض اسارت آور خارجی سخن می رود. در این سند تاکید شده است هیچ دلیلی برای عدم تحقق فوری حق مردم شیلی در انتخاب حکومت خود از طریق انتخابات عادی، آزاد، عمومی و مخفی وجود ندارد.

دمکراتیزه شوند. فرماندهی ارتش، از جمله پینوشه، با دیدن محاکمه اعضای سه خونخوار نظامی در آرژانتین به اتهام نقض حقوق بشر و عدم کفایت فاش آن‌ها در جنگ مالویناس، تکران شده است. نظامیان از کاپوس دیگری نیز رنج می‌برند؛ دادگاه نورنبرگ. بستگان مقتولین، ناپدید شدگان، زندانیان سیاسی، شکنجه دیدگان و مهاجرین سیاسی بسیاری که در ۵۰ کشور جهان زندگی می‌کنند، انتقام‌جو نیستند، اما تشکیل دادگاهی را می‌طلبند. چنین دادگاهی وقتی تشکیل می‌شود که قدرت حاکم توان برکزاری آن و تضمین اجرای احکام آن را در خود بیابد. پدیده است که کسی نمی‌تواند مرده‌ها را از قبر بلند کند. اما تجربه دهنشتاک دوره اخیر باید این تضمین را به وجود آورد که در شیلی دیگر هرگز بی‌گناهی به قتل نرسد و نه در این قرن و نه در هیچ زمان دیگری، دوره‌ای مشابه دوره پینوشه تکرار نشود. بدین منظور لازم است ریشه‌های این پدیده برکنده شوند. این است وظیفه اصلی کمونیست‌های شیلی، که انتظار کل خلق را با زتاب می‌دهند، وظیفه‌ای که با دوکلمه می‌توان بیان کرد: "دوباره هرگز!"

زمان تصمیم

حزب کمونیست شیلی پس از اعتصاب عمومی اوایل ژوئیه اعلام کرد که با انجام مذاکرات با نیروهای مسلح موافق است و از یک دولت نظامی بدون پینوشه به مثابه راهی برای بازگشت کشور به دمکراسی پشتیبانی خواهد کرد.

اکثریت قاطع مردم در موضع اپوزیسیون قرار دارند و دقیقاً می‌دانند پینوشه هرگز داوطلبانه از قدرت کناره نخواهد گرفت. باید او را به زیر کشید. جوانان دارای عقاید سیاسی گوناگون، در جبهه میهنی "مانوئل رودریگز" گرد هم آمده‌اند.

در هفته‌ها و ماه‌های آتی، مبارزات، گسترش و تشدید خواهد یافت. اعتصابات عمومی، راه قیام ملی را می‌گشاید. پینوشه اعلام کرده است برای جلوگیری از این امر یک کارگزار هرزبیله‌ای، از جمله تکرار حمام خون ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ را در نظر دارد. اما شرایط در کشور تغییر کرده است.

خلق، خود را از قید ترس رها کرده و برای همه چیز آماده است. مردم دیگر حاضر به تحمل دیکتاتوری نیستند. اخیراً فعالیت‌های زیادی برای متحد کردن نیروهای اپوزیسیون صورت گرفته است. تجارب مبارزاتی کنونی، به بهای واقعا کرائی و از طریق آزمایش شیوه‌های گوناگون مقاومت به دست آمده است.

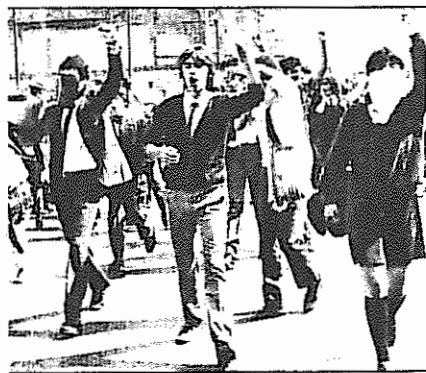
سال ۱۹۸۶ می‌تواند به سالی تعیین‌کننده برای شیلی تبدیل شود. شعار "همه شیلی و سراسر جهان علیه پینوشه!" پیوسته از پشتیبانی بیشتری برخوردار می‌شود. تنها ریگان و دولت اوسپاستی دوپهلودنبال می‌کنند و کمده مسخره‌ای را که بر عزم راسخ به حمایت از دیکتاتوری تا دقایقی پیش از سرنگونی آن مبتنی است، ادامه می‌هند.

در این موقعیت، نقش همبستگی بین‌المللی افزایش می‌یابد. خلق شیلی می‌داند که، از حمایت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، جنبش غیرمتعدها سازمان‌های اجتماعی کشورهای سرمایه‌داری، یعنی از پشتیبانی اکثریت جهانیان برخوردار است.

دمکراتیک" به رهبری حزب دمکرات مسیحی. نتیجه اعمال نفوذهای واشنگتن این بود که روند اتحاد نیروهای اپوزیسیون، سال‌ها متوقف ماند. این امر ادامه موجودیت را برای دیکتاتوری ساده‌تر کرد. از سوی دیگر کاخ سفید می‌کوشد با توسل به همه وسایل، راهگشای تفرام متقابل میان دیکتاتوری و اپوزیسیون راست میانه گردد. اما عملاً ثابت شده است که چنین امری امکان ندارد. در نقشه‌های پینوشه هیچ‌گونه سازشی پیش‌بینی نشده است برای او و تنها اطاعت کورکورانه پذیرفتنی است. پینوشه، پیشنهادهای اپوزیسیون راست میانه را که به صورت "برنامه آشتی ملی" به او ارائه شده بود، رد کرد.

آینده، آنگونه که پینوشه می‌خواهد

رفتار پینوشه حاکی از آن است وی نه تنها درصد است تا سال ۱۹۸۹ مکان قدرت را در دست خود نگه دارد، بلکه می‌خواهد برای یک دوره دیگر ریاست جمهوری تا ۱۹۹۷، خود را به این مقام



تظاهرات در سانتیاگو

منصوب کند. پس از آن هم نه یک حکومت لیبرال غیرنظامی، بلکه برقراری یک "دولت کارگزار" پیش‌بینی شده است. یک فرد غیرنظامی، رئیس جمهور صوری خواهد بود، اما قدرت واقعی هم‌چنان در دست نظامیان خواهد ماند. نظامیان، خود را "ستون فقرات" و "قیم ملت" می‌دانند، ملتی که گویا تمایل به هرچ و مرج و "ماجراجویی‌های چپ" دارد. ارتش به مثابه یک "آقای‌الاس" هم‌چنان نظارت خود را بر اوضاع حفظ خواهد کرد تا اصول اساسی اعلام شده توسط نظامیان در سال ۱۹۷۲، معتبر بماند.

حزب کمونیست شیلی تجربه تاریخی چنددهه اخیر و به ویژه مساله دخالت امپریالیسم آمریکا و میلیتاریسم ارتجاعی در خدمت آن را، به طور بنیادین تحلیل کرده است. در این تحلیل، به برنامه "دیکتاتوری مداوم" نیز که تئوریسین‌های آکادمی نظامی تحت تاثیر "دکترین امنیت ملی" پنتاگون تدوین کردند، پرداخته شد. این دکترین، بر "جنگ داخلی"، یعنی سرکوب بلاوقفه خلق، و "حکومت نظامی دائمی" استوار است. طبق این دکترین، قدرت باید مستقیماً از سوی فرمانده کل نیروهای مسلح کشور اعمال گردد. طراحان این برنامه می‌خواهند در قرن بیست و یکم نیز یک نظامی در رأس حکومت باشد. به یک رئیس‌جمهوری غیرنظامی، حداکثر نقش یک مترسک واگذار خواهد شد.

پیوسته آشکارتر می‌شود که خلق شیلی دیگر نمی‌خواهد حکومت نظامیان را تحمل کند. برای از میان بردن این حکومت، نیروهای مسلح باید کاملاً

دولت ریگان، موضع خود را تغییر داده است و راه حل جدیدی در شیلی ترجیح می‌دهد؟ آیا آمریکا به جای پینوشه احتمالاً یک ژنرال دیگر نظیر "نامگی" در هائیتی را بر خواهد گمارد؟ ویا "راه‌حل فیلیپینی" را ترجیح داده از دولتی پشتیبانی خواهد کرد که نماینده آن، یک سیاستمدار طراز اول غیرنظامی باشد؟

اخیراً ورنون والترز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، بر این حدیثات و نظایر آن، قلم‌بطلان کشید. وی در نشست یک کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گفت: "بدینوسیله ما بلیبم قدردانی خود از فعالیت مثبت دولت شیلی را ابراز داریم." وی افزود اظهار نظر هادرباره رعایت حقوق بشر در شیلی به نظر وی منصفانه نیست زیرا "نباید در رابطه با رعایت حقوق بشر، شیلی را هم‌چنان مورد ویژه‌ای دانست."

سرنوشت تکان دهنده یک جوان شیلیایی بنام رودریگو روخاس دکتری، به خوبی ارزش این اظهارات والترز را نشان می‌دهد. رودریگو پس از مدتها اقامت در واشنگتن، به سانتیاگو بازگشت و یک ماه و نیم پس از آن، توسط سربازان پینوشه در همان آغاز اعتصاب عمومی دوم و سوم ژوئیه، زنده زنده به آتش کشیده شد. سربازان، به روی این جوان بنزین ریخته و او را آتش زدند. کارمن کوئینتانان، دختر دانشجوی ۱۸ ساله، که همراه رودریگو بود، هم‌اکنون با مرگ در کشاکش است. هنگامی که رودریگو را به خاک می‌سپردند، خبر رسید در شهر بندری "وال پارائیزو"، ماریو آنتونیو آریا مارکانت ۲۴ ساله نیز دچار همین سرنوشت شده است.

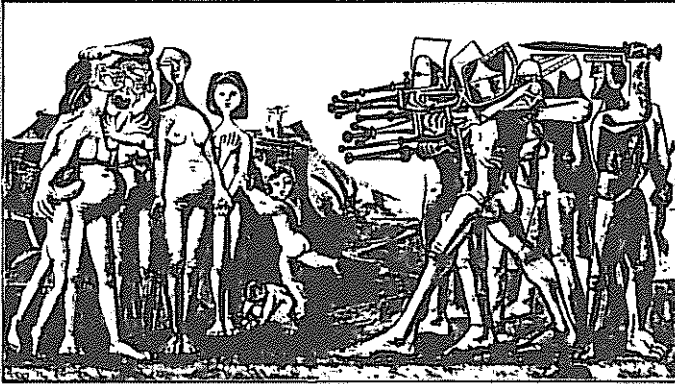
مانورهای کاخ سفید

میچ یک از این مانورهای مشکوک آمریکایی‌ها برای "گذارت در پیچ" به اشکال دمکراتیک حکومت در شیلی" تصادفی نیستند و ریشه در هراس از یک نیکاراکوئه دوم دارند. ایالات متحده نمی‌خواهد حتی یک دقیقه هم از ترک‌کنونی‌های سیاسی ریشه‌ای در شیلی، که زمان آن مدتهاست فرارسیده، عقب بماند. واشنگتن می‌داند مهم آن است که پنج دقیقه پیش از فروپاشی حکومت دیکتاتور محبوس وارد عمل شود.

هرکس گمان کند ریگان، و این‌پرکر، شولتز و کیسی (رئیس سیا) خود به خود دست از حمایت از پینوشه خواهند کشید، عمیقاً در خطا است. کاخ سفید آرزومند است که دیکتاتور هر چه بیشتر در مصدر قدرت بماند، زیرا فقط او است که به بهترین وجه از منافع آمریکا پاسداری می‌کند. از این گذشته، پینوشه خود نیز دست به همه کار خواهد زد تا هر سرکار بماند.

باید از طریق تلاش‌های مشترک اپوزیسیون به رهایی آینده شیلی دست یافت. دولت آمریکا واقف است که چنین روندی به سودش نخواهد بود و از این رو، تا آن‌جا که در توان دارد، مانع روند اتحاد اپوزیسیون شیلی می‌شود. ایالات متحده با ترفندهای بی‌شمار می‌کوشد ائتلاف دو نیروی عمده اپوزیسیون را از هم بپاشد. این دو نیرو عبارتند از "جنبش دمکراتیک توده‌ای" متشکل از حزب کمونیست، حزب سوسیالیست به رهبری کولدومیرو آلمیدا، جنبش چپ انقلابی (میر)، مابو (جنبش اقدام متحد توده‌ای) و چند سازمان چپ دیگر، و نیز "ائتلاف

قتل عام در گره - اثر پیکاسو (۱۹۵۱)



انسانها را باور کن!

از: ناظم حکمت

در جهان چون مستاجر می موقت و چون مهمانی در تابستان مباح،
جهان را خانه پدریت بدان.
بدر را باور کن، زمین را، دریا را باور کن،
اماییش از همه، انسان ها را باور کن!
ایرها را، پادها را، کتاب ها را دوست بدان،
اماییش از همه، انسان ها را دوست بدان!
در دشاخه خشکیده را در بیاب،
و در دستاره ای را که خاموش می شود،
و در دجانوری مجروح را.
اماییش از همه، درد انسان ها را در بیاب!
بگذر از طبیعت غنی، شادمانت کند.
بگذر از نور و تاریکی شادیت بخشد.
بگذر از چهار فصل به وحدت آورند.
اماییش از همه، بگذر از انسان ها شادمانت کنند.

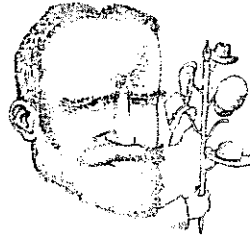
فقهایی ورزشکار

کننده قوا، در رشته پارافیس توی
سبقت را از بقیه فقهایی ورزشکار
برپایید. آیت الله منتظری ولیعهد
اعلام کرده است در مسابقات شرکت
نمی کند زیرا می ترسد در این بازیها
"موش دوانی" کنند. فقهایی شورای
نگهبان که قرار شده است در مسابقه
فوتبال داوری را برعهده داشته
باشند، روز دشاری را در پیش رو
دارند. پیش بینی می شود برای
چلوگیری از لکدپراکنی های طرفین،
کارت زرد فقهها کار ساز نباشد.
هم اکنون اختلاف دو تیم بر سر ترکیب
هیات داوران بالا گرفته است. خمینی
طی دستور العملی از مطبوعات ورزشی
خواسته است از طرح نقاط ضعف شرکت
کنندگان در این مسابقه خودداری
کنند، زیرا این کار کل نظام را به خطر
می اندازد.

کیهان ۸ شهریور - "مسئول
تربیت بدنی سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی اعلام کرد، به مناسبت هفته
چنگ مسابقه ای با شرکت مسئولان
کشوری شامل روسای سه قوه، وزرا،
نمایندگان مجلس، فرماندهان و
معاونین وزارتخانه ها در روز ۲۱
شهریور ماه در تهران برگزار می شود
... این مسابقات در رشته های
تیراندازی با کلت، دو صدمتر، برش
طول، پارافیکس و دو ۸۰۰ متر برگزار
خواهد شد."

به قرار اطلاع، مفسرین ورزشی
در تهران در رشته برش طول، بیشترین
شانس را برای آیت الله موسوی
اردبیلی رئیس قوه قضائیه قائلند و
پیش بینی می کنند حجت الاسلام
خامنه ای رئیس جمهور و هماهنگ

حکایات و روایات



جرج برنارد شاو

(۱۸۵۶ - ۱۹۵۰)

داد با کمال تاسف نمی تواند قرارداد
را امضا کند. وقتی مایر علت را
پرسید، شاو گفت: "شما فقط به هنر فکر
می کنید، اما من فقط در فکر پولم."

برنارد شاو با مقامات عالی رتبه
زیاد نشست و برخاست می کرد. او پس
از جنگ جهانی دوم، از مونتهگمری
ژنرال انگلیسی تقاضای ملاقات کرد.
مونتهگمری پس از آنکه مدتی این تقاضا
را بی پاسخ گذاشت، بالاخره شاو را
هنگامی پذیرفت که یک نقاش، برتره
ژنرال را می کشید. شاو صحبت را آغاز
کرد و گفت تنها پنج درصد مقامات
عالی رتبه، شایسته موقعیت خود هستند.
مونتهگمری برآشفته پرسید آیا منظور
شاو این است که تنها پنج درصد
ژنرال های انگلیسی کفایت دارند؟
شاو پاسخ داد: "البته خیر. این رقم در
مورد ژنرال ها بسیار پایین تر است."

جوانی که می خواست نمایشنامه
نویس شود، قطعه ای نوشته و آن را به
منظور اظهار نظر برای برنارد شاو
فرستاد، اما پاسخی دریافت نکرد. مرد
جوان، پس از ماه ها نزد شاو رفت و از
او خواست قطعه نمایشی اش را به او
پس بدهد. برنارد شاو مدتی به دنبال
دست نوشته آن جوان گشت، اما آن را
نیافت. مرد جوان از اینکه شاو
قطعه اش را کم کرده بود، عصبانی
بود. برنارد شاو نیز از این بابت
دچار ناراحتی وجدان شد. وی دست
مهمانش را گرفت، به جلوی گنجه ای
بر از دست نوشته های دیگران پر دو به
او گفت: "یکی را انتخاب کنید و
ببرید."

شاو در تعلیلات خود در جزیره
"مادرا" با یک آمریکایی به صرف غذا
مشغول بود. فرد آمریکایی به شاو گفت
به نظر او همه اجناس انگلیسی پنجل
هستند. وقتی برایشان آنچه انگلیسی
آوردند، هم صحبت آمریکایی شاو
برای تایید مدعایش گفت آنچه
انگلیسی بد مزه ترین نوشیدنی در تمام
دنیا است. شاو پاسخ داد از چاه برخاست
و گفت: "شما قهوه ما را خورده اید که
این حرف را می زنید؟!"

جرج برنارد شاو نمایشنامه
نویس بزرگ ایرلندی روزی در یک
فروشگاه کتاب های مستعمل، به کتابی
از خود برخورد که مدتی پیش به یک
شخصیت نامدار اهدا کرده بود. هنوز
در صفحه اول کتاب، جمله ای که شاو
نوشته بود دیده می شد: "تقدیم با
احترام." برنارد شاو کتاب را خرید و
در زیر جمله صفحه اول آن نوشت:
"تقدیم با احترامات مجدد" و کتاب
را دوباره برای شخصیت مزبور
فرستاد.

نمایش کمدی "پیگمالیون"
نوشته شاو، در سراسر جهان با استقبال
روبرو شد. در اولین اجرای آن، خود
نمایشنامه نویس حاضر بود.
تماشاچیان از او خواستند به صحنه
بیایید. پس از پایان اجرا، شاو به روی
صحنه رفت. در میان کف زدن های
شدید حضار، یک نفر فریاد کشید:
"عجب نمایش مسخره و مجملی بود!"
شاو به جای اینکه دستپاچه شود، روبه
آن تماشاچی کرده و گفت: "کاملاً با
شاهم عقیده ام، اما از دست من و شما
چکاری بر می آید؟"

ایزادورا دانکن رقاصه زیبای
آمریکایی، از طرفداران پروپا قرص
برنارد شاو بود. او برای شاو نامه ای
نوشت و نسبت به نمایشنامه نویس،
اظهار عشق کرد. در نامه او آمده بود
طبق قوانین ارث، اگر او و شاو صاحب
فرزندی شوند، این فرزند، زیبایی
رقاصه و موش نمایشنامه نویس را به
ارث برده و موجود کاملی خواهد شد.
شاو در پاسخ نوشت: "نامه شما مفتخرم
کرد، اما آیا فکر کرده اید اگر فرزند،
عقل شما و قیافه مرا به ارث ببرد، چه
فاجعه ای خواهد شد؟"

لوئیس مایر، بنیانگذار و مدیر
عامل کمپانی سینمایی "مترو-گلدوین-
مایر" برای انعقاد قرارداد به فیلم
درآوردن یکی از آثار برنارد شاو، از
آمریکا به لندن رفت. این نیلیارد
برای جلب نظر برنارد شاو، در حضور
او یک ساعت درباره "رسالت والای
هنر" سخن گفت. پس از آن، شاو پاسخ

اجلاس غیرمتعهدها خواهان قطع جنگ ایران و عراق شد

گفته‌های شنیدنی

وحشت‌ و لیبعهد از عاقبت‌ کار

بقیه از صفحه اول

دیگر، جمهوری اسلامی کوشید تا به هر قیمت که شده، مانع طرح مسئله جنگ ایران و عراق در کنفرانس غیرمتعهدها گردد. هدف اصلی سفرهای ولایتی به پایتخت‌های چند کشور عضو جنبش پیش از برگزاری اجلاس نیز همین بود. خود خامنه‌ای نیز به عنوان نماینده رژیم آخوندها در حراره نهایت تلاش را به عمل آورد تا این کنفرانس، درباره جنگ ایران و عراق مصوبه‌ای، نداشته باشد. سران حکومت خمینی دقیقاً می‌دانستند و در هیچ‌یک از دیدارهای خود در میان المللی، موضع جنگ افروزان و دیوانه‌وارشان مورد تأیید حتی یک کشور قرار نخواهد گرفت.

این بار نیز ترفندهای خامنه‌ای و همراهانش موثر واقع نشد و کنفرانس، مصوبه فوق را در رابطه با جنگ ایران و عراق صادر کرد. کمیته سیاسی اجلاس حراره که در روزهای برگزاری اجلاس، وظیفه تدارک مصوبات آن را برعهده داشت، مباحثات مفصلی درباره جنگ با حضور نمایندگان ۱۰۱ کشور عضو جنبش، از جمله ایران و عراق انجام داد. در این رابطه، سه پیشنهاد به کمیته سیاسی ارائه شده بود: نماینده

رژیم خمینی خواستار محکومیت یک جانبه عراق و بامسکوت ماندن امر در کنفرانس گردید. عربستان سعودی و کویت که در جنگ از عراق پشتیبانی می‌کنند، به نوبه خود قاعده‌نامه‌ای برای تصویب به کمیته پیشنهاد کردند. پیشنهاد سوم، متعلق به زیمبابوه میزبان کنفرانس بود که از پیش از برگزاری، جلسات کمیته سیاسی، تنظیم شده بود. این پیشنهاد تقریباً بدون تغییر به تصویب رسید.

واکنش خامنه‌ای

خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم خمینی که در کنفرانس حراره با تکرار شعارهای جنگ طلبانه و جنون آمیز به طرفداری از ادامه خونریزی، موجبات انزوی کامل خود را فراهم آورد، در مصاحبه‌ای با خبرنگاران حاضر در محل اجلاس، اعلام کرد برای او رژیم فقها، مصوبه کنفرانس در مورد جنگ ایران و عراق "غیرقابل قبول" است و افزود: "آن را نمی‌پذیریم". بدین ترتیب، نماینده رژیم خمینی بار دیگر مخالفت این رژیم را با ابتدایی‌ترین اصول مورد

پذیرش جامعه بین‌المللی، نظیر اصل عدم توسل به زور در روابط میان کشورها، به نمایش گذاشت.

همچنین رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل و عضو هیات همراه خامنه‌ای در حراره، در بیانیه‌ای رسمی که در محل کنفرانس انتشار یافت، اظهارات خامنه‌ای درباره مصوبه اجلاس را تکرار کرد.

علاوه بر مصوبه‌ای که به تصویب اجلاس حراره رسید، بسیاری از سران کشورها و دولت‌های غیرمتعهد در سخنرانی‌های خود در کنفرانس خواهان قطع جنگ ایران و عراق و حل مسائل فیما بین از طریق مذاکره شدند. این موضع‌گیری‌ها، اجلاس حراره را برای رژیم خمینی به صحنه یک شکست سیاسی تبدیل کرد. بیپرده نبود که خامنه‌ای که همه تلاش‌هایش در کنفرانس حراره متوجه جلوگیری از طرح مسئله جنگ در آن بود، در پایان اجلاس به دروغ اظهار داشت برای جمهوری اسلامی، در این اجلاس مسئله جنگ "اهمیت درجه دوم" داشته است تا به خیال خود، ابعاد شکست سیاسی جمهوری اسلامی را کوچکتر جلوه دهد.

آیت‌الله حسینی منتظری، خدایا که شاهد می‌گیرم، آن موقعی که در خبرگان اسم من مطرح شد و پس از طرح آن تلگرام‌ها و طومارها و نامه‌های زیادی از داخل و خارج برای من فرستاده شد، برای من یک نگرانی روحی به وجود آورد. ولذا با این که بر حسب عادت و عرف انسانی و عاطفی باید جواب متقابل می‌دادم و تشکر می‌کردم، ولی با خود گفتم وقتی مسئولیت و وظیفه سنگینی به عهده انسان و او گذار می‌شود، تبریک ندارد، بلکه تسلیت مناسبتر است. (اطلاعات - ۲۷ مرداد)

تأبوده چنین بوده

هاشمی رفسنجانی: "از کله‌هایی که بنی اسرائیل از حضرت موسی می‌کردند، این بود که می‌گفتند: قبل از آنکه شما بباید، مادر زحمت بودیم و حالا هم که شما آمدید، زحمت می‌کشیم. پس آن وعده‌هایی را که خداوند فرمود، به ما بده. این مساله چیزی است که در زندگی همه انبیا بوده و پیروانشان دچار این مشکل می‌شدند. بنابر این معلوم می‌شود که اصلاً بنیان جوامع جز از طریق این مشکلات محکم نمی‌شود." (اطلاعات - ۵ شهریور)

یک طلبه نشاط‌انگیز =

یک میلیون نوار ویدئو

هاشمی رفسنجانی در دیدار با طلبه‌ها: "شما طلاب واقعا نشاط انگیز هستید و نشاط انگیز واقعی خود شما هستید که بیشتر از یک میلیون نوار ویدئو که به جبهه بفرستید، موثر است. البته ویدئو هم خوب است، ولی حضور شما به اندازه یک میلیون ویدئو کار می‌کند." (اطلاعات - ۵ شهریور)

نویتی هم باشه، این بار نویت ...

سرمقاله نویس اطلاعات: انصافاً طرف خطاب (خمینی، در سخنرانی اخیر) کیست؟ هر کس هست توجیه نکند. این دفعه را بپذیرد که طرف خطاب و مخاطب خود اوست، غصه هم نخورد، عجله هم نکند، ممکن است روز دیگری خدای ناکرده، امام سخنی بگویند که در آن روز طرف خطاب، حریف او باشد! (اطلاعات - ۱۲ شهریور)

کنفرانس حراره: رویدادی برجسته

بقیه از صفحه آخر

ترقی خواه جهان بود.

بهبانیه سیاسی حراره

مهمترین سند اجلاس حراره، بیانیه سیاسی مصوب آن است. در این بیانیه، محتوای سیاست عدم تبعید، مبارزه با امپریالیسم، استعمار، نواستعمار، برتری طلبی، تجاوز، اشغال و سلطه خارجی، آپارتاید، نژادپرستی، صهیونیسم و همه اشکال وابستگی، مداخله جویی و اعزاز فشار اعلام شده است. بیانیه سیاسی حاوی پشتیبانی از برنامه زمان‌بندی شده شوروی برای خلع سلاح هسته‌ای و موراتوریم یکجانبه اتحاد شوروی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای است. غیرمتعهدها در بیانیه سیاسی خود خواهان توقف تولید و استقرار سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند.

بیانیه همچنین به بررسی بحران‌های منطقه‌ای در جهان می‌پردازد. اجلاس حراره، آپارتاید را ریشه بحران در جنوب آفریقا و

تهدیدی جدی علیه صلح جهانی دانست و حمایت اقتصادی، مالی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی دولت‌های غربی از رژیم آفریقای جنوبی را محکوم کرد. در بیانیه آمده است همه نیروهای پرتوریا باید بلافاصله و بدون قید و شرط از مناطق اشغالی در آنگولا عقب بنشینند. سران غیرمتعهدها حمایت آمریکا از باند ضدانقلابی "اونیتا" در آنگولا را محکوم کردند. اجلاس حراره، تحریم بین‌المللی رژیم آپارتاید و حمایت دیپلماتیک، سیاسی و مادی از کشورهای خط مقدم جبهه را ضروری دانست. غیرمتعهدها خواهان آزادی بی‌قید و شرط نلسون ماندلا شدند و آمریکا و بریتانیا را فراخواندند تا پیش از این مانع اقدامات موثر در جهت استقلال نامیبیا نگردند.

در بیانیه سیاسی حراره، مبارزه عادلانه خلق فلسطین به رهبری "ساف" اعلام همبستگی شده و آمده است "راه‌حل"‌های جزئی و جداگانه در خاور نزدیک، بحران این منطقه را تنها پیچیده‌تر می‌کند.

سران کشورهای غیرمتعهد حمله آمریکا به لیبی را شدیداً محکوم کردند.

مصوبه کنفرانس حراره در رابطه با جنگ ایران و عراق بطور جداگانه در این شماره نشریه آمده است.

شرکت کنندگان در گردمایی حراره خواستار حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان که متضمن استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم تبعید افغانستان باشد، شده‌اند.

در بیانیه سیاسی از افزایش خطر اقدام نظامی ایالات متحده علیه نیکاراگوئه ابراز نگرانی و از کوشش‌های کشورهای آمریکای لاتین (موسوم به گروه "کونتادورا" و گروه "لیما") قدردانی شده است.

علاوه بر بیانیه سیاسی، اجلاس حراره سندی با عنوان "بیانیه اقتصادی" صادر کرد که در آن، ادامه موجودیت نظام غیرعادلانه و نابرابر اقتصادی در جهان محکوم گردیده و خطری برای صلح و امنیت جهان قلمداد شده است.

قلعه حسن خان :

پیکره فلاکت

قلعه حسن خان به آن می‌اندیشد. بسیاری از بیماران تنها زمانی که در شرف مرگ قرار گرفته باشند به نزد پزشکان خصوصی برده می‌شوند. در چنین وضعیتی هر بیماری ساده به آسانی می‌تواند به مرگ بیانجامد. مرگ و میر بی‌ویژه در میان کودکان غوغا می‌کند. سو، تغذیه، آلودگی محیط،

قلعه حسن خان در کیلومتر ۱۷ جاده قدیم تهران - کرج و در شرق شهریار واقع است. جمعیت این شهرک فقرزده در طول چهار سال گذشته به دو برابر افزایش یافته است، بطوریکه امروز بیش از ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد. اکثر ساکنین قلعه حسن خان کارگرند. این عده در واقع دهقانان زجر دیده‌ای هستند که از روستاهای اقصی نقاط کشور مهاجرت کرده و در این منطقه مسکن گزیده‌اند.

کسی که برای اولین بار با به قلعه حسن خان می‌گذارد، تصور می‌کند همه چیز روی هم انباشته شده است. انکار آلونک‌ها، مغازه‌های کوچک، بساط محقر دستفروشیها و آدم‌ها از سرکول هم بالای‌روند. هنگام غروب در "سرقنات" که در خیابان اصلی شهرک واقع شده، به علت کثرت جمعیت جای سوزن انداختن نیست. در کوچه‌ها انبوه کودکان قدونیم قد درم می‌لوند.

در قلعه حسن خان از پارک، سینما، تئاتر، ورزشگاه و... خبری نیست. بزرگترین سرگرمی ساکنان قدم زدن در سرقنات می‌باشد که آنهم معمولاً به نوعی دست و پا زدن در خیابان جمعیت می‌ماند. در کنار خیابان دستفروشان بساط خود را پهن کرده‌اند. تعداد آنان چنان زیاد است که جای خالی در پیاده‌روها به چشم نمی‌خورد. کارگران اخراجی، از کار افتاده‌ها، کودکان و کسانی که به تازگی از روستا مهاجرت کرده در کنار هم دستفروشی می‌کنند و به سختی روزگار می‌گذرانند. بر تعداد محلات شهرک همچنان افزوده می‌شود. جدیدترین محله شهرک "کره کرک" است. نمود دیگری از رنج، فقر، فلاکت.

برای ۷۰ هزار جمعیت قلعه حسن خان، تنها یک درمانگاه دولتی وجود دارد. مراجعین به این درمانگاه پس از ساعتها انتظار و معاینه سربابی چیزی جز چند قرص مسکن و امثال آن به دست نمی‌آورند. این درمانگاه همراه با چند مطب خصوصی، مجموعه امکانات درمانی این شهرک است. مراجعه به مطب خصوصی به کار پر تجملی می‌ماند که کمتر کسی از اهالی

خانه‌هایشان لوله‌کشی آب دارد نیز وضعیت بهتری ندارند. آنها هم ناچارند آب مصرفی را به همان‌گونه در توشه حیاط نگهداری کنند، زیرا که در طول شبانه روز در لوله‌ها تنها ۱۲ ساعت آب جریان دارد، آنهم با فشار بسیار کم. وقتی که این آب در این لوله‌ها به جریان می‌افتد و لوله‌ای در شهرک برپا می‌شود عمده در تقلا هستند تا به هر ترتیبی که شده ظرف‌های خالی را از آب پر کنند. در طول روز آب مصرفی مردم از همین ظرف‌ها برداشت می‌شود.

بیشتر کوچه‌های قلعه حسن خان



خاکی است. درجوی‌ها کندانب جریان دارد. تل زباله در هر گوشه به چشم می‌خورد. شهرداری بابت خدمات شهری! همه ماهه ۶۰۰ ریال از هر خانوار پول می‌گیرد. خدمات شهری شهرداری هم تنها این است که هفته‌ای دوبار بخشی از زباله‌ها را از گوشه خیابانها جمع‌آوری کند.

خدمات آموزش و پرورش در منطقه دست کمی از شهرداری ندارد. کیفیت آموزش در اینجا همانند روستاهای کشور وضعیت اسفناکی دارد. درصد بیسوادان و کسانی که ترک تحصیل می‌کنند، هر روز بالاتر می‌رود. اکثر محصلینی که زیر فشارهای اقتصادی و فرهنگی ناچار به ترک تحصیل می‌شوند، عازم کارگاهها می‌گردند و یا به غل‌های کاذب رو می‌آورند. البته آنها که مشولند، همواره در معرض بیورش مزدوران رژیم برای اعزام به جبهه‌های مرگ هستند. امکانات آموزشی چنان نازل است که اکثر مدارس در سه نوبت کار

فقدان آب تصفیه شده و... از عوامل کسترده‌گی بیماری در این شهرک است. اکنون که برای افراد میانه‌حال میهن ما نیز تهیه آذوقه به دشواری صورت می‌گیرد، می‌توان دریافت تهیدستان قلعه حسن خان چه می‌کشند و چه می‌کنند. مساله اصلی این است که صف طولانی نانوائی‌ها طی شود تا آنان شب محروم نمانند. خوش شانس‌ترها هراز چندگاهی رنگ گوشت را می‌بینند. از میوه و این قبیل تجملات دیگر نباید صحبتی به میان آورد. گرسنگی مژمن فراگیر است.

برای ساکنین قلعه حسن خان تامین آب آشامیدنی نیز به دشواری صورت می‌گیرد. بخش بزرگی از خانه‌های قلعه حسن خان، فاقد لوله‌کشی آب هستند. ساکنین این خانه‌ها ناگزیرند آب را از جاهای دیگر فراهم کرده و در بشکه‌ها در گوشه حیاط خود نگهداری کنند. پیداست که این آب به کل آلوده است اما به هر حال تشنگی را فرو می‌نشانند. آنهایی که

می‌کنند. برخی دانش آموزان دوره ابتدایی مجبور می‌شوند در ساعت ۶ صبح در کلاس درس حاضر شوند. در مدارس از خانواده‌ها بابت ثبت نام فرزندانشان شریه سنگینی می‌گیرند. برای مثال، بابت ثبت نام دانش آموزان سال اول ابتدایی ۱۶۰۰ ریال و دانش آموزان پنجم ابتدایی بیش از ۵۰۰۰ ریال دریافت می‌کنند.

امکانات ورزشی وضعی به مراتب بدتر از امکانات آموزشی دارد و تقریباً ناچیز است. تنها مکان ورزشی شهرک، زمین فوتبال کوچکی است که در ابتدای ورودی شهرک قرار دارد. جوانان و نوجوانان در آنجا جمع می‌شوند و ساعتها به انتظار می‌نشینند تا نوبتشان فرا رسد. تاکنون مامورین شهرداری چندین بار به این زمین هجوم آورده‌اند تا آن را در اختیار شهرداری بگذارند. اما با مقاومت جوانان روبرو شده و بناچار دست به عقب نشینی زده‌اند.

اهالی قلعه حسن خان سرپناه محقر خود را در ستیز مداوم با پاسداران رژیم جمهوری اسلامی بنا کرده‌اند. هر خشتی که آنان بر هم نهاده‌اند، در خود خاطره‌ای از مقاومت و پایداری دارد. حکومت فقها برای زحمتکشان این محله حق زیستن در یک سرپناه را هم انکار می‌کرد. خانه‌هایی که اینک در این محله بنا شده‌اند، نتیجه مبارزات به‌بیکر مردم این محله در برابر پاسداران است. مقاومت اهالی این محل در برابر اکیب‌های تخریب صحنه‌های شوهمندی از رزم مردم در برابر رژیم آفریده است. ایستادگی مردم طی دو سال اخیر همواره تهاجم ماموران را با شکست مواجه کرده است. پاسداران هنوز وقتی پایداری چنانچه مردم در آبان سال گذشته را به یاد می‌آورند از خشم به خود می‌پیچند. در قلعه حسن خان، هر روز بر تعداد گشت‌های کمیته افزوده می‌شود. شبها از ساعت ۱۰ به بعد حکومت نظامی برقرار می‌شود و هر تازیه واردی تحت کنترل و بازرجویی قرار می‌گیرد. این تشیقات رژیم بی‌سبب نیست. زیرا نفرت زحمتکشان قلعه حسن خان از حکومت فقها مدام فزونی می‌گیرد و گماشتگان حکومت فقها می‌کوشند با این تشیقات بر مقاومت فزاینده مردم چیره شده، فقر و فلاکت را پاسداری کنند.

توافقی الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین

بدنبال گفتگوهایی که میان سازمانهای فلسطینی صورت گرفت و گزارش آن در شماره های پیشین "اکثریت" آمد، سازمان الفتح، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین بر اساس یک برنامه (۱) ماده ای به توافق رسیدند. در بیروت، سازمان الفتح با صدور بیانیه ای رسماً لغو توافقی فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین را اعلام داشت. لغو این موافقتنامه، از سوی سازمانهای چپ فلسطینی شرط مرگوبه توافقی با الفتح اعلام شده بود.

در اعلامیه که بدین مناسبت از سوی الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین امضا شده، آمده است توافقی (۱) فوریه ساف-اردن دیگر به قوت خود باقی نیست و اساس و پایه سیاست ساف را چه در رابطه با مسئله فلسطین، چه در سطح عربی و چه

در سطح بین المللی تشکیل نمی دهد. اعلامیه می افزاید روابط ساف و اردن بر اساس قطعنامه کنفرانس ۱۹۷۴ سران عرب استوار است. در این اعلامیه همچنین آمده است سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. اعلامیه بر ضرورت تشکیل یک دولت فلسطینی در سرزمینهایی که باید از اشغال اسرائیل آزاد شود، تاکید می ورزد.

بر اساس اعلامیه مشترک سه گروه فلسطینی (الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست)، در جریان گفتگوهایی که از اول تا پنجم سپتامبر جاری در پراگ صورت گرفت، سه گروه برای احیای وحدت ساف یک بیانیه پازده ماده ای تنظیم کرده اند. بیانیه، برنامه سیاسی ۱۹۷۴ ساف را همچنان معتبر دانسته و نسبت به قطعنامه های شورای ملی (پارلمان در تبعید) فلسطین اظهار وفاداری کرده است. بیانیه می افزاید شورای ملی فلسطین باید با شرکت همه گروهها و شخصیت های فلسطینی برگزار شود. سه گروه امضا کننده بیانیه، همه راه حل های جداگانه و به ویژه طرح کمب دیوید و طرح ۱۹۸۲ ریکان را محکوم کرده اند. الفتح، جبهه

دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را که مسئله فلسطین را تنها در رابطه با آوارگان فلسطینی مطرح می کند، پاسخگویی منافع ملت فلسطین نمی دانند.

بیانیه سه گروه مزبور خواستار برپایی یک کنفرانس بین المللی خاور نزدیک با شرکت ساف به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین شده است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری جرج حبش) در توافقی سه گروه فلسطینی شرکت ندارد و تاکنون در این باره موضعی اعلام نکرده است. در دمشق گروه ابوموسی (منشعب از الفتح) با توافقی سه جانبه اعلام مخالفت نمود.

ملاقات پرز-مبارک

شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل پنج شنبه گذشته در قاهره با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر دیدار و گفتگو کرد. طرفین در این ملاقات درباره روابط دو جانبه مصر و اسرائیل به مذاکره پرداختند. در آستانه انجام گفتگوها، رساندهای گروهی امپریالیستی اخباری حاکی از احتمال عدم انجام سفر پرز به مصر به علت اختلافات در طرف در مورد نوار مرزی طابا در شبه جزیره سینا که همچنان تحت اشغال اسرائیل است، منتشر کردند. اما در آخرین لحظات اعلام شد دو طرف توافق کرده اند کمیسیون سه نفره ای در مورد سرنوشته طابا و تعلق آن به مصر یا اسرائیل در آینده، تصمیم بگیرد.

پس از دیدار پرز-مبارک که نخستین ملاقات رهبران مصر و اسرائیل از اکتبر ۱۹۸۱ بدین سو بود، در قاهره اعلام شد طرفین در مورد راه حل مسائل خاور نزدیک به توافقی نرسیده اند. به گزارش خبرنگار بیجا، شیمون پرز حتی حاضر نشد توافقی قبلی با مصر در مورد اعطای "خودمختاری" به فلسطینی های ساکن مناطق اشغالی در چارچوب اردن را نیز مورد تاکید مجدد قرار دهد. با این حال اسرائیل به هدف خود از برگزاری این ملاقات دست یافت. طرفین اعلام کردند سفرای دو کشور که به دنبالش تجاوزه اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ از پایتخت های اسرائیل و مصر فراخوانده شده بودند، به محل ماموریت خود باز خواهند گشت.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در آستانه دیدار پرز از قاهره همه تلاشها به منظور "حل" مسئله خاور نزدیک از طریق موافقتنامه های دو جانبه و جداگانه را محکوم کرده آن را مغایر با منافع ملل عرب دانست.

اخبار کوتاه

* میخائیل گارباجف دبیرکل حزب کمونیست شوروی در مصاحبه ای با "رودیروو" ارگان حزب کمونیست چکسلواکی گفت تنها به شرطی حاضر به ملاقات با ریگان است که از این ملاقات، نتایج مشخص حاصل گردد. گارباجف همچنین اظهار داشت اقدامات دولت آمریکا در جهت دامن زدن به مسایقه تسلیحاتی و کشاندن آن به فضا، عملاً تدارک یک جنگ جهانی محسوب می شود.

* بی نظیر بوتو رهبر حزب مردم پاکستان که بدنبال تقاضای چندی پیش در این کشور بازداشت شده بود، همراه با سایر بازداشتگان از زندان آزاد شد.

اعلام حکومت نظامی در شبلی



ماموران پلیس مخفی پینوشه در حال دستگیری چند دانشجو که پس از اعلام حکومت نظامی به سفارت هلند پناهنده بودند.

سندیکایی بازداشت شده اند. یک روزنامه نگار متری بنام خوزه کاراسکو توسط افراد ناشناس ربوده شد و سپس جنازه وی در یک پارک در سانتیاگو پیدا شد. درهای سازمان امنیت پینوشه در این قتل دیده می شود.

سخنگوی جبهه مانوئل رودریگز طی مصاحبه ای در دفاع از این عملیات اظهار داشت کشتن بزرگترین قاتل آمریکای لاتین عادلانه است. وی خاطرنشان ساخت که این اقدام آخرین اقدام از این نوع نخواهد بود. وی افزود که اعلام حکومت نظامی ربطی به این اقدام نداشت. ما اطلاع دقیق داشتیم که تصمیم به اعلام حکومت نظامی در روز ۱۱ و با ۱۸ سپتامبر، گرفته بود. ما با این کار قصد داشتیم از آن جلوگیری کنیم. سخنگوی جبهه درباره علت نافرجام ماندن این عملیات گفت ما از درون ارتش اطلاعات دقیقی را چه به مسیر حرکت پینوشه کسب کرده بودیم. منتها در روز عملیات، اتومبیل حامل پینوشه بجای ردیف وسط به آخر کاروان منتقل گردید. در این مصاحبه هم چنین گفته شد که در جبهه مانوئل رودریگز کمونیست ها، سوسیالیست ها و حتی دمکرات های مسیحی عضویت دارند.

در روز یکشنبه هفتم سپتامبر واحدی از افراد مسلح جبهه مانوئل رودریگز به کاروان اتومبیل هایی که ژنرال اکوستینو پینوشه دیکتاتور شبلی را از محل اقامت بیلاقی اش به سانتیاگو منتقل می کرد، حمله بردند. در این واقعه هفت تن از محافظین دیکتاتور به هلاکت رسیدند و دوازده نفر دیگر به شدت مجروح شدند. سه اتومبیل همراهان پینوشه به کلی در آتش سوختند. اما خود پینوشه به هلاکت نرسید و تنها جراحات مختصری برداشت.

در پی این واقعه، عصر روز یکشنبه ۷ سپتامبر به وقت شبلی، رژیم پینوشه در سراسر کشور برای ۹۰ روز اعلام حکومت نظامی کرد. مقررات حکومت نظامی برای مقامات رژیم اختیارات تقریباً نامحدودی پیش بینی می کند. تمام نقاط مهم سانتیاگو پایتخت شبلی بلافاصله پس از اعلام حکومت نظامی، از سوی ارتشیان تا دندان مسلح اشغال شد. نظامیان در شهر وحومه سانتیاگو عملیات گسترده دستگیری به راه انداختند. در میان بازداشت شدگان، نام جرمان کوررا، رهبر "جنتو" دمکراتیک توده ای و ریکارد ولاگوس از رهبران "اتحاد دمکراتیک" که عضو حزب دمکرات مسیحی است، دیده می شود. همچنین تعدادی از روزنامه نگاران و فعالین

حمله به سینه پاریس را محکوم می‌کنیم

در روز جمعه ۲۱ مرداد نیروهای پلیس ضد شورش دولت فرانسه به محل سینه دانشگاه پاریس حمله کردند و به نحوی وحشیانه ایرانیان حاضر در این محل را مورد ضرب و شتم قرار دادند. تهاجم پلیس فرانسه به سینه کام دیگری است که در جهت تشدید تضییقات برای سازمانهای سیاسی ایرانی در فرانسه برداشته می‌شود. سازمانهای سیاسی ایرانی در روزهای معینی در هفته، در محل سینه دانشگاه پاریس، با گذاشتن میز کتاب اقدام به ارائه و توزیع نشریات و اعلامیه‌های خود می‌نمایند. علیرغم محدودیت‌هایی که از جانب مقامات دولتی و دانشگاهی تحمیل شده است و با وجود اخلاک‌گریزیهایی بعضی از دستجات نظیر جناح نوکل، نیروهای مترقی ایرانی این امکان را حفظ کرده اند که در این محل به فعالیت‌های افشاگرانه علیه رژیم خمینی ادامه دهند.

با تهاجم پلیس ضد شورش فرانسه به سینه، عده‌ای از ایرانیان حاضر در محل شدیداً مجروح گردیدند. افراد پلیس کتابها و وسائل را ضبط کرده و با خود بردند. آنجا حتی اوراق هویت افرادی چند را از جیبشان بیرون کشیده و به سرعت بردند.

رفتار پلیس فرانسه در روز ۲۱ مرداد که جلوه‌ای از سرشت تبهکارانه دولت‌های امپریالیستی است در عین حال آشکار می‌سازد که آنها چگونه در صدد هرچه تنگ‌تر کردن دایره فعالیت نیروهای مبارز ایرانی هستند و در این راه از کاربرد سواترین روشها نیز ابایی ندارند. عطف توجه سازمان‌های سیاسی مترقی ایرانی به این حقیقت اکنون ضرورت هرچه بیشتری می‌یابد.

ما، تهاجم پلیس فرانسه به فعالین سازمانهای سیاسی ایرانی در سینه پاریس و هرگونه اقدامی را که در راستای محدود ساختن فعالیت نیروهای مبارز ایرانی، از جمله در محیط‌های دانشگاهی، صورت می‌گیرد بشدت محکوم می‌کنیم. فدائیان خلق در جهت مقابله با این تضییقات و تحمیلات فزاینده، از کوشش‌های همپسته نیروهای مترقی ایرانی، برای بهره‌گیری از امکاناتی که در این قبیل کشورها با مبارزات دیرینه نیروهای دمکراتیک فراهم آمده است، فعالانه پشتیبانی می‌کنند.

کنفرانس حراره:

رویدادی برجسته

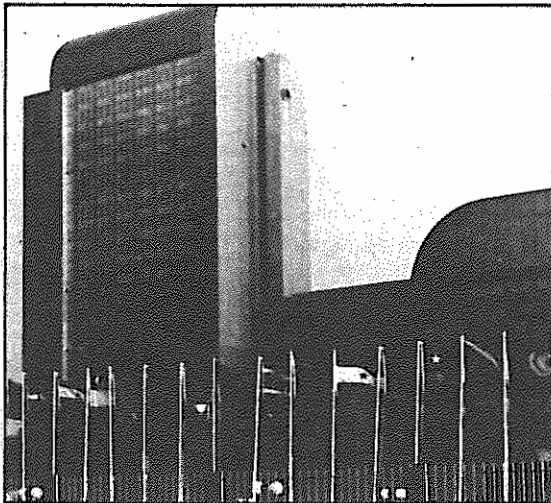
* سمت گیری ضد امپریالیستی جنبش عدم تعهد

در اجلاس حراره مورد تاکید قرار گرفت

* تقریباً همه ۶۲ سخنران اجلاس، ابتکارها و

اقدامات عملی اتحاد شوروی در زمینه صلح

و خلع سلاح را مورد پشتیبانی قرار دادند



تقریباً همه ۶۲ سخنران اجلاس، از ابتکارها و اقدامات عملی اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح، از موراتوریوم یکجانبه شوروی در زمینه انفجارهای هسته‌ای و از برنامه ارائه شده توسط رهبر اتحاد شوروی برای محر سلاح‌های هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰ اعلام پشتیبانی کردند. بدین ترتیب، اجلاس حراره نشان داد "تهاجم صلح" کشورهای سوسیالیستی در تمام قاره‌ها ریشه دوانده است. کنفرانس هشتم غیرمتعهدها، نشانگر افزایش نفوذ و تقویت مواضع نیروهای صلح دوست و بقیه در صفحه ۹

اما هر چند سازماندهی و برگزاری موفقیت آمیز اجلاس، به نوبه خود قابل توجه است، آنچه کزدهمایی حراره را به رویدادی برجسته تبدیل کرد، مصوبات اجلاس و موضع گیری‌های سران کشورها و دولت‌های غیرمتعهد بود. در مقایسه با هفتمین کنفرانس سران که سه سال پیش در دهلی برگزار شد، شمار بسیار بیشتری از نمایندگان کشورهای عضو جنبش، مهمترین مسئله بشریت، یعنی امر صلح و خلع سلاح و جلوگیری از فاجعه جنگ هسته‌ای را محور اظهارات و موضع گیری‌های خود قرار دادند.

زیمبابوه نوین، می‌تواند به خود بباند. حراره، پایتخت این کشور آفریقایی، شش سال پس از استقلال، شاهد یک رویداد برجسته بود. دولت رابرت موکابه، نخست وزیر زیمبابوه و رئیس جدید جنبش غیرمتعهدها، در حالی که کمتر از یک سال فرصت برای تدارک چنین کزدهمایی عظیمی داشت، علیرغم مشکلات زیادی که زیمبابوه نواستقلال با آن روبروست، توانست با بهره‌گیری از حمایت‌های وسیع توده‌ای، سازماندهی کنفرانس را به بهترین وجه انجام دهد.

جشن ارگان حزب کمونیست اتریش، آئینه همبستگی مبارزاتی خلقها

علاوه بر این با کار مشترک رفقای فدائی و توده‌ای غرفه "کار" و "نامه مردم" پر پا گردید. شعار بزرگ "مرگ بر خمینی" که همراه با شعارهای رزمجویانه دیگری در این غرفه نصب شده بود، آرزوی مردم ایران را در براندازی رژیم منحوس خمینی انعکاس می‌داد.

حزب دمکرات کردستان ایران نیز با شرکت در این جشن به بازتاب مبارزه خلق کرد علیه سیاستهای ضدملی حکومت فقه‌پراخت.

جشن "صدای خلق" فرصه دیگری از همبستگی مبارزاتی خلقهای جهان بود. این جشن در فضایی شورانگیز پایان یافت.

به ابتکار حزب کمونیست اتریش، در محل برگزاری مراسم، "دهکده ضد امپریالیستی" برپا گردید. در برپایی این دهکده احزاب کمونیست و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست از سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین فعالانه شرکت داشتند.

فدائیان خلق در اتریش از جمله نیروهای شرکت‌کننده در این جشن بودند که برای پیشبرد برنامه‌های جشن با همه توان خویش تلاش کردند. رفقای فدایی با پخش وسیع اعلامیه‌های فارسی و بولتن اطلاعاتی به زبان آلمانی، بازدیدکنندگان ایرانی و خارجی جشن را در جریان آخرین رویدادهای سیاسی ایران قرار داده و آنها را با کوشه‌هایی از نبرد فدائیان خلق علیه تبهکاری‌های رژیم جمهوری اسلامی آشنا کردند. فدائیان خلق همچنین با اجرای برنامه‌های هنری به سهم خویش بر شکوه و زیبایی جشن افزودند.

چهل و یکمین سالگرد انتشار روزنامه "صدای خلق" ارگان حزب کمونیست اتریش در روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت با شرکت هزاران تن و در فضایی سرشار از عمیق‌ترین احساسات انترناسیونالیستی جشن گرفته شد.

"صدای خلق" آئینه رزم پیگیر کمونیست‌های اتریش در راستای صلح و سوسیالیسم است. این روزنامه پیکار خلق‌های ستمکش کیتی علیه بیداد و غارتگری امپریالیسم و ارتجاع را بازتاب می‌دهد. ارگان حزب کمونیست اتریش در همبستگی با مبارزات مردم ایران در راه صلح و دمکراسی، کوشش ویژه‌ای مبذول داشته و برای آگاهی مردم اتریش از جنایات رژیم ضد مردمی خمینی تلاش ورزیده است.

جشن اسمال "صدای خلق" جشن همصدایی بشریت مترقی برای حفظ صلح در جهان بود. در این جشن پیکار نیروهای ترقیخواه و صلح‌دوست علیه مفسده‌جویی‌های جنگ طلبانه محافل امپریالیستی بازتاب یافت.

AKSARIYAT
NO. 124
MONDAY SEP 15 86
Address: ادرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY